

واکاوی قانونی بودن و مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی به موجب حقوق بین‌الملل

سیدقاسم زمانی^{۱*}، کاظم غریب آبادی^{۲**}

۱. (نویسنده‌ی مسئول)، دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه

طباطبائی (ره)

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶)

چکیده

تحریم‌ها همواره برای حصول به اهدافی مشخص، وضع و اعمال شده‌اند. شورای امنیت تحت ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد که ناظر بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، می‌تواند برای اجرای تصمیمات خود مبادرت به اتخاذ برخی اقدامات (تحریم‌ها) نماید. از طرف دیگر، کشورها نیز به طور یکجانبه اقدام به وضع تحریم علیه سایر کشورها با هدف اعلامی حصول به اهداف و منافع ملی خود می‌نمایند. از این منظر، تحریم‌ها به عنوان ابزاری در راستای مقاصد سیاست خارجی محسوب می‌شوند. آنچه که محرز است، این است که وضع تحریم، تحت منشور ملل متحد صرفاً برعهده شورای امنیت گذاشته شده است که خود تابع محدودیت‌های ناشی از مفاد منشور می‌باشد و کشورها از اتخاذ اقدامات قهری یکجانبه علیه یکدیگر خارج از چارچوب منشور منع شده‌اند. برابر پیش‌نویس مفاد مسئولیت دولت‌ها، اقدامات کشورها علیه یکدیگر خارج از منشور ملل متحد، از تحریم تفکیک شده و عنوان «اقدام متقابل» گرفته است. تحریم‌ها چه از سوی شورای امنیت اعمال شوند و چه به صورت یکجانبه توسط کشورها علیه یکدیگر، بر بهره‌مندی افراد از حقوق بشر اساسی خود نیز تاثیر جدی خواهند گذاشت.

کلیدواژه‌گان: تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های یکجانبه، حقوق بین‌الملل، اقدام متقابل، رژیم تجارت جهانی.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های تاریخ معاصر، ظهور آمریکا به عنوان کشوری است که تمایل بسیاری به وضع تحریم علیه کشورهای هدف در راستای اهداف سیاست خارجی خود دارد. این کشور صرفاً از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ بیش از ۶۱ تحریم یک‌جانبه علیه ۳۵ کشور وضع نمود که ۴۲ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند (Mafi, 2007, p.101). آمریکا تا سال ۲۰۱۲ نیز بیش از ۶۹ قانون برای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه طیفی از کشورها وضع کرده است (Bradford, 2012, p.380). آمریکا تا فروردین ماه ۱۳۹۵ نیز ۲۲ کشور را تحت تحریم‌های خود حفظ کرده است (www.treasury.gov)^۱. تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا به خاطر فراسرزمینی بودن، به موضوعی مجادله برانگیز با دیگر کشورها نیز تبدیل شده است. بسیاری از صاحب نظران معتقدند که چنین تحریم‌هایی، در حقوق حاکمیتی کشورها دخالت می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که تحت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا در حوزه‌های هسته‌ای، موشکی، تروریسم و حقوق بشر قرار داشته یا دارد. هرچند با توافق ایران و ۱+۵ در ۱۴ ژوئای ۲۰۱۵ تحریم‌های ثانویه مرتبط با برنامه هسته‌ای خاتمه یا تعلیق یافته‌اند^۲، اما آمریکا اعلام کرده است که تحریم‌های اولیه و تحریم‌های غیرهسته‌ای باقی خواهند ماند (آمریکا تحریم‌های موشکی تازه‌ای علیه ایران اعمال کرد، ۱۳۹۴/۱۰/۲۷). باید توجه داشت که ادبیات غنی سیاسی به کار رفته توسط سازمان ملل قویاً بر احترام به حقوق بشر، توسل به تحقیق، حقیقت‌یابی، ضرورت افزایش همکاری‌های بین‌المللی، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و خودداری از توسل به اقدامات یک‌جانبه اقتصادی یا نظامی تاکید می‌کنند (Golshanpazhoob, 2013, p. c).

۱. برابر اعلام وزارت خزانه داری آمریکا، این کشورها و حوزه‌ها عبارتند از: بالکان، بلاروس، میانمار، بروندي، جمهوری آفریقای مرکزی، ساحل عاج، کوبا، جمهوری کنگو، ایران، عراق، لبنان، لیبی، کره شمالی، سومالی، سودان، سودان جنوبی، سوریه، اوکراین/روسیه، ونزوئلا، یمن، زیمبابوه.

۲. جمهوری اسلامی و ایران و گروه ۵ به علاوه یک در ۱۴ ژوئای ۲۰۱۵ در وین نسبت به برنامه جامع اقدام مشترکی تفاهم نمودند که براساس برنامه هسته‌ای برای مدت زمان خاصی تابع برخی محدودیت‌ها شده و تمامی تحریم‌های یک‌جانبه و بین‌المللی مرتبط با برنامه هسته‌ای نیز لغو خواهند شد. برای مطالعه این برنامه جامع و قطعنامه شورای امنیت در تایید این برنامه، مراجعه شود به:

شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز از جمله ارگان‌هایی است که برطبق فصل هفتم منشور ملل متحد مبادرت به وضع تحریم می‌نماید. در دو دهه اخیر، میزان توسل به این سازوکار میان اعضای شورای امنیت افزایش یافته است. به دنبال ارسال (convey) موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۵ بهمن ۱۳۸۴ (غریب آبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳)، شورای امنیت بر این اساس مبادرت به صدور پنج قطعنامه^۱ نمود که ضمن تحمیل تحریم‌های مختلف، از ایران خواسته است اقدامات محدودیت آمیزی را نیز درخصوص برنامه هسته‌ای خود به انجام رساند. هرچند شورای امنیت به عنوان یکی از ارکان مخلوق دولت‌های عضو تابع محدودیت‌ها بوده و ملزم به اجرای همان قواعد هنجاری بین‌المللی است که دولت‌های عضو موظف به رعایت آن‌ها می‌باشند (غریب آبادی، پیشین، ص ۱۲۹)، اما باید تاکید کرد که شورای امنیت موضوع هسته‌ای و اعمال تحریم‌ها را در انحصار خود نگاه داشته و در هیچ یک از قطعنامه‌های خود مجوزی برای کشورها به منظور توسل به اقدامات یک‌جانبه ارائه نکرده است.

مجموع این مباحث، این پرسش کلیدی را مطرح می‌کند که توسعه حقوق بین‌الملل در حوزه‌های مختلف چه تاثیری بر تحریم‌های شورای امنیت و تحریم‌های یکجانبه داشته است؟ برای ارائه یک تصویر کامل از مشروعیت یا عدم مشروعیت تحریم‌ها تحت حقوق بین‌الملل، در نوشتار حاضر این موضوع از سه بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد: حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق بشر بین‌المللی، قواعد رژیم تجارت جهانی. از این رو، ابتدا مبانی تحریم‌های شورای امنیت و تحریم‌های یکجانبه از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته و سپس، تاثیر تحریم‌ها بر بهره‌مندی حقوق بشر افراد ارزیابی می‌شود. بدلیل عضویت واضعان تحریم در سازمان تجارت جهانی و ضرورت پابندی آن‌ها به تعهدات بین‌المللی خود در این حوزه، مشروعیت تحریم‌ها در پرتو قواعد رژیم تجارت جهانی نیز بررسی خواهد شد. از آنجا که واضعان تحریم برای دورزدن محدودیت‌های اسناد بین‌المللی و تعهدات خود در اجتناب از وضع تحریم خارج از چارچوب شورای امنیت به اقدام متقابل نیز استناد کرده‌اند، مشروعیت توسل به اقدام متقابل نیز در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان نیز یک جمع‌بندی از مباحث مطروحه به عمل خواهد آمد. هرچند درخصوص

۱. قطعنامه ۱۶۹۶ مورخ ۹ مرداد ۱۳۸۵، قطعنامه ۱۷۳۷ مورخ ۲ دی ۱۳۸۵، قطعنامه ۱۷۴۷ مورخ ۴ فروردین ۱۳۸۶، قطعنامه ۱۸۰۳

مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۸۶، قطعنامه ۱۹۲۹ مورخ ۱۹ خرداد ۱۳۸۹.

تحریم‌ها و مشروعیت آن‌ها از منظر حقوق بین‌الملل مقالات و کتب متعددی به نگارش درآمده است، اما نوآوری مقاله حاضر در این است که این موضوع را در قالبی جامع مورد بررسی قرار داده و به دو موضوع مشروعیت تحریم‌ها تحت رژیم تجارت جهانی و اقدام متقابل که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، توجه ویژه‌ای نموده است.

۱. بررسی مبانی تحریم‌ها از منظر حقوق بین‌الملل

به طور کلی، شورای امنیت سازمان ملل تحت فصل هفتم منشور ملل متحد این اختیار را دارد تا به منظور اجرای تصمیمات خود جهت حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله تحریم‌هایی را علیه کشورها اعمال نماید. از سوی دیگر، برخی کشورها یا گروهی از کشورها نیز به دلایل مختلف، از ابزار تحریم به طور یک‌جانبه برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. هر چند تحریم‌های شورای امنیت به عنوان تحریم‌های یک‌جانبه تلقی نمی‌شوند، اما بر طبق منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل تابع محدودیت می‌باشند. در مورد غیرقانونی تحریم‌های یک‌جانبه نیز مبانی مختلفی در حقوق بین‌الملل وجود دارد. در این قسمت، مبانی تحریم‌های مزبور به موجب حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. تحریم‌های شورای امنیت

پنج عضو دائم شورای امنیت پس از جنگ سرد، هماهنگی بهتری برای استفاده از رژیم‌های تحریم و پاسخگویی به برخی کشمکش‌ها پیدا کردند. دهه ۱۹۹۰ را می‌توان «دهه تحریم‌ها» نامید. تعداد تحریم‌های الزامی شورای امنیت از ۲ تحریم در زمان جنگ سرد، یکباره به ۱۴ تحریم در دهه ۱۹۹۰ رسید. نتیجه بررسی ۱۹۰۰ قطعنامه شورای امنیت از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ درخصوص رژیم‌های تحریمی شورا به این شرح می‌باشد: ۱۴ مورد اعمال تحریم علیه درگیری‌های بین کشورها، ۴ مورد اعمال تحریم علیه درگیری‌های داخلی کشورها، ۵ مورد اعمال تحریم علیه هنجارشکنان بین‌المللی، ۴ مورد اعمال تحریم علیه تروریسم بین‌المللی (Charron, 2011, p.8).

بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد منطقه آفریقا با ۱۹ رژیم تحریم، بیشترین دریافت‌کننده رژیم‌های تحریم از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ بوده است. آسیا با شش، خاورمیانه با پنج، اروپا با چهار، و آمریکا

با یک رژیم تحریمی در رده های بعدی قرار دارند (United Nations, 2016). جدول شماره یک رژیم‌های تحریمی شورای امنیت و تعداد آنها را در قاره های مختلف نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: مناطق جهان و تعداد رژیم های تحریم شورای امنیت از ۱۹۹۰ تا ۳۰ نوامبر

۱۲۰۱۶

منطقه	تعداد تحریم‌ها	رژیم های تحریمی
آفریقا	۱۹	رودزیای جنوبی، آفریقای جنوبی، سومالی/اریتره، لیبیا (۳ مورد)، آنگولا، رواندا، سیرالئون، اتیوپی/اریتره، ساحل عاج، لیبی (دو مورد)، سودان (۲ مورد)، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی، گینه بیسائو، سودان جنوبی
خاورمیانه	۵	عراق (۳ مورد)، ایران، لبنان (حریری)
اروپا	۴	یوگسلاوی، جمهوری سابق یوگسلاوی (۲ مورد)، کوزوو
آمریکا	۱	هائیتی
آسیا	۶	القاعده/طالبان/داعش و مرتبطان (چهار مورد)، کره شمالی، یمن
مجموع	۳۵	۳۵

Source: Charron, 2011, p.9

تمرکز شورای امنیت بر یک قاره و عدم توجه به سایر وضعیت‌ها در حالی که جهان از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برد، حاکی از این است که تصمیمات الزامی شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد بیشتر نتیجه ملاحظات سیاسی هستند تا دلایل حقوقی و واکنش‌های شورای امنیت نه اتوماتیک است و نه بی‌طرفانه (Gowlland-Debbas, 2001, p.8).

۱. تا ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶ (۱۰ آذر ۱۳۹۵)، رژیم های تحریمی زیر خاتمه یافته اند: کمیته تحریم لیبیا (۲۵ می ۲۰۱۶)، کمیته تحریم ساحل عاج (۲۸ آوریل ۲۰۱۶)، کمیته تحریم ایران (۲۰ ژوئای ۲۰۱۵)، کمیته تحریم سیرالئون (۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰)، کمیته تحریم رواندا (۱۰ ژوئای ۲۰۰۸)، کمیته تحریم لیبیا (۷ مارس ۲۰۰۱)، کمیته تحریم آنگولا (۹ دسامبر ۲۰۰۲)، کمیته تحریم هائیتی (۲۹ سپتامبر ۱۹۹۴)، کمیته تحریم یوگسلاوی (۱ اکتبر ۱۹۹۶)، کمیته تحریم لیبی (۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳)، کمیته تحریم وضعیت عراق و کویت (۲۲ می ۲۰۰۳)، کمیته تحریم آفریقای جنوبی (۲۶ می ۱۹۹۴).

برخی بر این باورند که هیچ قاعده حقوقی، شورای امنیت را در رابطه با مسئولیتش در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی محدود نمی‌کند. در توجیه این رویکرد، استدلال می‌شود که به منظور تضمین تداوم وجود بشریت، ضروری است تا اختیارات نامحدودی به یک نهاد برای مواجهه با هرگونه تهدید متصور علیه صلح و امنیت بین‌المللی واگذار شود. از این منظر، رفع محدودیت‌های قانونی علیه چنین نهادی، در صورت مواجهه جامعه بین‌المللی با بازیگرانی که تمام قواعد حقوقی را نادیده گرفته و به طور جدی صلح و امنیت بین‌المللی و موجودیت بشر را تهدید می‌نمایند، آن را در وضعیت ضعیفی قرار می‌دهد (Davidsson, 2003, p.2). باید توجه داشت حتی در صورتی که نیاز به ایجاد یک اقتدار ضروری برای تضمین و تأمین صلح و امنیت باشد، چنین اقتداری باید در نهایت آنانی را نمایندگی کند که قرار است به نفع آنان اقدام نماید و از این رو، باید مشروعیت داشته باشد. نهادی که دیگران را نمایندگی می‌کند، مشروعیت خود را نیز از آنان دریافت می‌کند.

از آنجا که تصمیمات شورا به تشخیص آن وانهاده شده‌اند، این تصمیمات ماهیتی سیاسی دارند. به زعم «کلسن»، شورای امنیت برای حفظ صلح ایجاد شده است، نه اجرای قانون. اما سوال اساسی این است که آیا این ارگان سیاسی از هر قید و بند حقوقی رها و آزاد است؟ در جریان تصویب قطعنامه ۱۴۸۳ (۲۰۰۳) شورای امنیت که موقعیت قدرت‌های اشغالگر را در عراق مورد تایید قرار داد، رئیس شورای امنیت تاکید نمود که: «اختیارات شورا نامحدود و بدون قید و شرط نیست، آن اختیارات باید به گونه‌ای اعمال گردند که با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل (ماده یک منشور) هماهنگ باشند و به ویژه با کنوانسیون‌های ژنو و مقررات لاهه و نیز خود منشور ملل متحد منطبق باشند.» (ارکلش ویلی، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

در قضیه لیبی علیه ایالات متحده نیز قاضی شهاب‌الدین^۱ و قاضی ویرامنتری^۲ سوالاتی را از جمله به این شرح مطرح کردند: آیا هیچ محدودیتی بر اختیارات شورای امنیت وجود دارد؟ این محدودیت‌ها چه هستند و چه نهادی جز شورای امنیت صلاحیت دارد که این محدودیت‌ها را تعیین و اعلام نماید؟ آیا شورای امنیت وظایف خود را بدون محدودیت انجام می‌دهد؟ جمع‌بندی اکثریت نظرات منتشره قضات، موافق با این دیدگاه بود که «محدودیت‌هایی وجود دارند که تفسیر آن‌ها نیز منحصرأ با

۱. Shahabuddeen

۲. Weeramantry

شورای امنیت نیست. قانونی بودن اقدامات هر رکن سازمان ملل، باید با مراجعه به منشور به عنوان قانون اساسی جامعه بین‌المللی مورد قضاوت قرار گیرد.» (Davidsson, Ibid, p.5). قاضی بجاوی^۱ حتی از این فراتر رفت و استدلال کرد که «تمامی ارکان اصلی ملل متحد باید نه تنها به منشور، بلکه به حقوق بین‌الملل احترام بگذارند»^۲. (Ibid).

در واقع، مشروعیت تحریم‌های شورای امنیت به طور فزاینده زیر سوال قرار گرفته است. شورا در اعمال تحریم‌ها با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد که بیشتر ناشی از مفاد منشور ملل متحد می‌باشند. بند ۲ ماده ۲۴ منشور اختیارات گسترده شورا در اتخاذ اقدامات اجرایی را محدود می‌کند (Wall, 1998, p.69). این بند مقرر می‌دارد که «شورای امنیت در اجرای وظائف خود باید مطابق با اهداف و اصول ملل متحد اقدام نماید». فصل یک منشور به مقاصد و اهداف سازمان ملل می‌پردازد. اولین هدف، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. برخی صاحب نظران معتقدند این هدف از سایر اهداف مقدم‌تر است، در حالی که برخی دیگر نیز بر این باورند که اهداف ملل متحد دارای ارزش و اولویت برابری هستند. از این منظر، هدف سوم ملل متحد تحت ماده ۱ فصل یک منشور به طور برابر برای سازمان ملل از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد: «دستیابی به همکاری بین‌المللی در حل و فصل مشکلات بین‌المللی با ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه و ترویج و ترغیب احترام به حقوق بشر» (Charter of the United Nations, 1945, Article 1). در این رویکرد، اعمال هرگونه تحریم اقتصادی که منجر به ترویج و ترغیب احترام به حقوق بشر نشود، مغایر منشور ملل متحد محسوب می‌شود.

شورای امنیت توسط ماده ۲۵ منشور نیز محدود شده است که مقرر می‌دارد: «اعضای ملل متحد موافقت می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت مطابق با منشور را پذیرفته و اجراء نمایند». مفاد مختلف منشور که متضمن استانداردهای بالای زندگی و رعایت حقوق بشر هستند، نسبت به اعمال تحریم‌های اقتصادی توسط شورای امنیت محدودیت ایجاد می‌کنند. ماده ۵۵ منشور مقرر می‌دارد که سازمان ملل باید «استانداردهای بالای زندگی، اشتغال کامل و شرایط توسعه اقتصادی و اجتماعی»

۱. Bedjaoui

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص نظر قاضی بجاوی رجوع کنید به:

Bedjaoui, Mohammed (1994), *The New World Order and the Security Council: Testing the Legality of its Acts*, Dodrecht: Martinus Nijhoff Publications, p. 32.

را ارتقاء دهد و به حقوق بشر احترام بگذارد. اعضای سازمان ملل باید بررسی کنند که آیا اقدامات آنان این الزامات را حتی اگر تحریم‌های الزامی وضع می‌کنند، برآورده می‌کند یا نه؟ شورای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) در اظهارنظر عمومی خود در ۱۹۹۷ در خصوص رابطه تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تاکید کرد که مفاد مختلف منشور در خصوص حقوق بشر باید به هنگام اعمال تحریم‌های اقتصادی تحت فصل هفتم منشور کاملاً در نظر گرفته شده و اعمال شوند (Committee on ECCR General Comment 8, 1997).

اقداماتی که در چارچوب صلح و امنیت توسط شورای امنیت اتخاذ می‌شوند، باید با هدف تحریم‌ها متناسب بوده و از حقوق بشر جمعیت در کشور هدف، حفاظت و حمایت نمایند (Eden, 2005, p.697). سوالی که در این چارچوب مطرح می‌شود، این است که آیا شورای امنیت اجازه دارد تا به هنگام اجرای اختیارات خود تحت ماده ۴۱ منشور ملل متحد، حقوق بشر را محدود نماید؟

در پاسخ باید گفت بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شامل حقوق بشر غیرقابل مصالحه (non-derogable) نیز می‌باشد که باید توسط کشورها حتی در مواقع اضطراری رعایت شوند مانند حق حیات، منع شکنجه و برده‌داری (dewet, 2001, p.286). این حقوق اکنون به عنوان هنجارهای «قواعد آمره» محسوب می‌شوند و شورای امنیت حتی اگر برخی از اعضای آن میثاق مزبور را تصویب نکرده باشند، نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد. حق حیات برابر ماده ۶ این میثاق، حق برتر است و اساس تمامی حقوق بشر محسوب می‌شود. کمیته حقوق بشر در «اظهار عمومی ۶» خود تصریح نمود «حق ذاتی حیات» نباید به طور محدود نگریسته شود. در این راستا، کشورها باید تمامی اقدامات مثبت را برای کاهش مرگ و میر نوزادان به هنگام تولد و افزایش «انتظار زندگی» اتخاذ نمایند (Ibid, p.287). این تعهد توسط کنوانسیون حقوق کودک که حق حیات را برای هر کودکی به رسمیت می‌شناسد نیز تقویت شد.

اعضای سازمان ملل و شورای امنیت از انجام اقدامات در محروم کردن دسترسی اشخاص به غذا نیز منع شده‌اند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاکید کرده است که حق غذا برای تحقق دیگر حقوق بشر مندرج در لایحه بین‌المللی حقوق بشر، ضروری است (Ibid). با این که تقریباً تمامی قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت تحت ماده ۴۱ منشور معافیت‌هایی را در زمینه غذایی، دارویی و کمک‌های بشردوستانه داشته‌اند، اما باید خاطر نشان کرد که اجرای برخی قطعنامه‌های شورا موجب

انکار دسترسی غیرنظامیان به نیازهای اولیه و ضروری خود شده و سبب رنج و درد آنان گردیده است (H.Flawe, 2000, p.255). این موضوع به ویژه بحث نقض حقوق بین‌الملل توسط قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت را مطرح کرده است. نمونه بارز این وضعیت، عراق می‌باشد. در واکنش به درد و رنج غیرنظامیان عراقی در اثر تحریم‌های شورای امنیت، قطعنامه ۹۸۶ مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۹۵ با موضوع نفت در برابر غذا به تصویب شورای امنیت رسید.

تحریم‌های شورای امنیت از منظر حاکمیت قانون نیز با نقاط ضعف متعددی مواجه هستند: مشکل شفافیت: مشورت‌های اصلی که منجر به تصمیمات مربوط به تحریم‌ها می‌شود، عموماً در پشت درب‌های بسته در شورای امنیت اتخاذ می‌شوند و تصمیمات شورا نیز به ندرت تصویری شفاف در توجیه اهداف و علل تحریم‌ها ارائه می‌کنند.

وتو و مشکل برابری: در چارچوب تحریم‌های شورای امنیت برابری اقتضاء می‌کند اگر تحریم‌ها تحت شرایطی علیه یک کشور اعمال می‌شوند، در شرایط مشابه نیز باید علیه دیگر اعضاء اعمال گردند. حق وتو اصل برابری را در عمل کاملاً تضعیف می‌نماید.

مشکل فرایند دادرسی کامل: به کشوری که قصد اعمال اقدام زورمدارانه از جمله تحریم علیه آن وجود دارد، باید فرصت داده شود تا نظرات خود را در مورد تصمیم احتمالی کاملاً اظهار نماید و استماع عادلانه‌ای برای سخنان آن فراهم شود. از طرف دیگر، تصمیمات شورا به ویژه علیه افراد، قابل تجدیدنظرخواهی نمی‌باشد.

کشورهای ثالث و جمعیت غیرنظامی: اصل تناسب اقتضاء می‌کند که باید از تاثیرات اعمال تحریم‌ها بر شهروندان عادی و کشورهای ثالث جلوگیری شود (Matam Farral, 2007, p.p. 185-223).

۱-۲. تحریم‌های یکجانبه

«یکجانبه‌گرایی»^۱ به وضعیت‌هایی مربوط می‌شود که در صلاحیت سرزمینی کشوری که مبادرت به این اقدامات می‌نماید، قرار نمی‌گیرد و از اینرو با «فراسرزمینی بودن»^۲ نیز مرتبط می‌شود. از آنجایی که کشورها عموماً در موقعیتی قرار ندارند که قوانین خود را خارج از صلاحیت سرزمینی

۱. Unilateralism

۲. Extrterritorial

خود اعمال نمایند، یک‌جانبه‌گرایی و فراسرزمینی بودن با تحریم‌ها نیز گره می‌خورند (Jansen, 2000, p.310).

هر تحریمی که خارج از چارچوب شورای امنیت اعمال شود، تحریم یکجانبه تلقی می‌گردد. تحریم‌های یکجانبه در قالب‌های مختلفی اعمال می‌شوند: توسط یک کشور، توسط گروهی از کشورها، تحریم‌های ثانوی. قاضی کروما، نایب رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری (۲۰۱۲-۱۹۹۴) در سمپوزیوم بین‌المللی تحریم‌های یکجانبه و حقوق بین‌الملل، این نوع از تحریم‌ها را کاملاً مغایر با حقوق بین‌الملل دانست. از دیدگاه وی، تحریم‌های یکجانبه در مغایرت با حقوق بین‌الملل قرار دارند و از اینرو، چالشی بر نظم حقوقی بین‌المللی محسوب می‌شوند که در منشور ملل متحد تصریح شده است (Marossi, 2016). شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز در قطعنامه مورخ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴ خود تحت عنوان «حقوق بشر و اقدامات زورمدارانه یکجانبه» تاکید کرده است که اقدامات و قوانین یکجانبه مغایر حقوق بین‌الملل، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، منشور ملل متحد و اصول حاکم بر روابط مسالمت آمیز میان دولت‌ها می‌باشد (HRC Resolution, 2014, fourth Preambular Paragraph).

تحریم‌ها برای آمریکا هر نوع محدودیت یکجانبه‌ای هستند که نسبت به فعالیت اقتصادی در ارتباط با یک کشور یا نهاد خارجی و بنابر دلایل سیاست خارجی یا امنیت ملی اعمال می‌شوند (U.S. Government Accountability Office, 2008, p.1). اگرچه آمریکا به همراه چند کشور دیگر از بنیانگذاران نهادهای بین‌المللی بعد از جنگ دوم جهانی از جمله سازمان ملل محسوب می‌شود، اما این احساس را دارد که خود را بالاتر از حقوق بین‌الملل قرار می‌دهد (Dupuy, 2000, p.21). این موضوع کاملاً در مغایرت با اصل احترام به حاکمیت قانون قرار دارد.

موضوعی که در تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه کشورها نباید از منظر حقوقی از آن غفلت شود، ماهیت فراسرزمینی بودن آن‌هاست. از این تحریم‌ها به عنوان تحریم‌های ثانوی نیز یاد می‌شود. بر این اساس اتباع، شرکت‌ها و کشورهای ثالث نیز وادار می‌شوند از انجام تجارت با کشورهای هدف خودداری نمایند، در غیر اینصورت مجازات می‌شوند. تحریم‌های ثانوی بر اساس اصل صلاحیت فراسرزمینی اعمال شده و نقض قواعد حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. امروزه، اعمال صلاحیت فراسرزمینی توسط دولت آمریکا سبب ایجاد تعارض‌های جدی بین قوانین آمریکا و

کشورهای دیگر شده است. سوال اساسی این است که به عنوان یک موضوع حقوق بین‌الملل، آیا آمریکا می‌تواند اشخاص در خارج از صلاحیت خود را وادار به اجرای تحریم‌های خود نماید؟ این توافق بین حقوقدانان و صاحب‌نظران وجود دارد که صلاحیت، جنبه ای از حاکمیت است. اعمال صلاحیت سرزمینی دولت‌ها نسبت به اشخاص خود در قلمروشان یک مفهوم پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل عرفی است. از آنجا که کشورها مستقل و از لحاظ حقوقی تحت حقوق بین‌الملل برابر هستند، هیچ دولتی نمی‌تواند صلاحیت خود را بر سرزمین دولت دیگر بدون توافق آن اعمال نماید. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «لوتوس» اصول اساسی صلاحیت در حقوق بین‌الملل عمومی را تبیین کرد: «اولین و مهم‌ترین محدودیت تحمیلی توسط حقوق بین‌الملل در مورد یک دولت، این است که بدون اجازه دولت دیگری نمی‌تواند صلاحیت خود را بر آن اعمال نماید» (Mafi, 2007, p.109). در همین چارچوب، شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز اقدامات فراسرزمینی را کاملاً رد می‌کند. شورا در قطعنامه ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴ خود «از تمامی کشورها می‌خواهد تا اتخاذ و اجرای اقدامات زورمدارانه به ویژه اقداماتی که تأثیرات فراسرزمینی دارند را متوقف نمایند» (HRC Resolution, op-cit, paras 2, 10).

در قضیه بارسلونا تراکشن^۱ در سال ۱۹۷۰ نیز دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر داشت که «حقوق بین‌الملل متضمن این تعهد برای دولتهاست که در حوزه صلاحیت خود، اعتدال را اعمال نمایند و از توسعه صلاحیت به وسیله دادگاه‌ها در مواردی که یک عنصر خارجی وجود دارد، پرهیز کنند و از تجاوز بی‌جهت به صلاحیت کشور دیگری که وابستگی بیشتری با آن دارد یا به طور مقتضی صلاحیتش قابل اعمال است، خودداری نمایند». نتیجه منطقی این اظهارنظر دیوان این است که صلاحیت به عنوان یک ویژگی مهم حاکمیت نه تنها مستلزم محدودیت دولت‌ها در اعمال حاکمیت در قلمرو داخلی خود می‌باشد، بلکه موکد این نکته مهم نیز هست که کشورها مکلفند ضمن احترام و رعایت صلاحیت سرزمین دیگر کشورها، از اعمال فعالیت‌ها و تصمیماتی که معارض و مغایر با این اصل پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل عمومی است، خودداری نمایند (مافی، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

اتحادیه اروپا نیز موجودیت دیگری است که مبادرت به اعمال تحریم‌های یکجانبه علیه برخی کشورها می‌نماید. اتحادیه اروپا تا اکتبر ۲۰۱۶ افزون بر ۳۳ رژیم تحریمی اجراء کرده است

۱. Barcelona Traction Light and Power Company Case

(European Commission, 2016, p. 3). رژیم‌های تحریمی اتحادیه نسبت به سال ۱۹۹۱ شش برابر و در مقایسه با سال ۱۹۹۹ نیز دو برابر شده است. فهرست تحریمی اشخاص و موجودیت‌ها را نیز باید به این آمار اضافه کرد (Iana & José, 2015, p. 9). اتحادیه در اعمال شبکه‌ای از تحریم‌ها علیه ایران، با بزرگترین مانع خود یعنی دادگاه‌های حقوقی روبرو بوده است.

ماده ۲۱۵ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا، توقف روابط اقتصادی با کشورهای ثالث را مقرر می‌دارد: «هرگاه تصمیمی در مطابقت با فصل دو از بخش پنجم معاهده اتحادیه اروپا^۱ مبنی بر توقف یا کاهش جزیی یا کامل روابط اقتصادی و مالی با یک یا چند کشور ثالث براساس رای اکثریت کیفی در مورد پیشنهاد مشترک نماینده عالی اتحادیه در امور سیاست خارجی و امنیتی و کمیسیون تصویب شود، شورا بایستی اقدامات لازم را تصویب نماید. در این صورت، شورا می‌تواند اقدامات محدودیتی را علیه اشخاص حقیقی و حقوقی، گروه‌ها یا موجودیت‌های غیردولتی وضع نماید». باید توجه داشت که این مفاد باید در مطابقت با ماده ۵۳ منشور ملل متحد خوانده شوند که متعاقب ماده ۱۰۳ منشور^۲، بر تکالیف اعضای اتحادیه اروپا تحت اسناد موسس اتحادیه حاکم است. چنانچه اتحادیه اقدام محدودیتی علیه کشوری اتخاذ نماید که تحت بررسی شورای امنیت و اقدامات اجرایی آن قرار ندارد و شورا به کشورها اجازه اتخاذ اقدامات مشابه را نداده باشد، این در واقع نقض منشور ملل متحد محسوب می‌شود. از این رو، می‌توان گفت که معاهدات اتحادیه اروپا، مبنایی حقوقی را برای اقدامات اقتصادی، تجاری و مالی اتحادیه علیه کشورها فراهم نمی‌نماید.

اتحادیه اروپا در طول دو سال، تحریم‌های گسترده‌ای را علیه ایران وضع نمود، به گونه‌ای که شامل تمامی حوزه‌های انرژی، مالی، تجاری، بازرگانی گردید. تحریم‌های اقتصادی اتحادیه کاملاً فراتر از تحریم‌های شورای امنیت بوده و در اجرای تصمیمات این شورا قرار نمی‌گیرند. از طرف دیگر، هرچند تحریم‌های اولیه شورای امنیت علیه ایران ماهیتی هدفمند داشت، اما اقدامات اجرایی اتحادیه اروپا علیه ایران، حکایت از بازگشت به رویه تحریم‌های جامع دارد (Academie de Geopolitique de Paris, 2013, p.127). گسترده‌ترین تحریم اروپا علیه ایران، در حوزه انرژی اعمال

۱. این بخش، ناظر بر سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه می‌باشد. برای مطالعه این معاهده، رجوع کنید به:

The Treaty of the European Union, C326/13, 26 October 2012

۲. برای مطالعه در خصوص مفاد این دو بند و ارزیابی حقوقی آن‌ها، به بند ۱-۷ این فصل مراجعه نمایید.

گردید. متعاقب عدم توفیق آمریکا و انگلیس در اعمال تحریم‌های نفت و گاز علیه ایران در شورای امنیت، اتحادیه اروپا با استناد به مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، خرید نفت ایران را مورد تحریم قرار داد.^۱ مقدمه این قطعنامه به ارتباط بالقوه میان درآمدهای مالی به دست آمده از بخش انرژی ایران با فعالیت‌های حساس به اشاعه اشاره نموده است. این اقدام اتحادیه اروپا مغایر قطعنامه‌های شورای امنیت می‌باشد. هیچ‌یک از قطعنامه‌های شورای امنیت، خرید نفت از ایران را مورد هدف قرار نداده است. مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ نیز به هیچ‌عنوان بر تحریم خرید نفت ایران تصریح نکرده است، ضمن اینکه اعتبار و آثار حقوقی مقدمه قطعنامه‌های شورای امنیت متفاوت از متن قطعنامه هاست و فاقد قدرت الزام آور می‌باشند. در نتیجه، مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ مبنا و مجوز حقوقی به سایر کشورها از جمله اتحادیه اروپا در تحریم اقتصادی علیه ایران را نمی‌دهد (امین زاده و خداپرست، ۱۳۹۱، صص ۲۰-۱۸). جدول شماره ۱-۱۰ تحریم‌های اروپا علیه ایران در حوزه حقوق بشر و جدول ۱-۱۱ نیز تحریم‌های اتحادیه در حوزه هسته‌ای را نشان می‌دهند.

دولت‌های اروپایی برای توقف، به زعم خود، برنامه سلاح هسته‌ای علاوه بر وضع تحریم به ویژه در حوزه‌های مالی و انرژی، فهرستی از مقامات شرکت‌ها و تجاری را که از نظر آنان با تأمین مالی و ابعاد فنی برنامه هسته‌ای مرتبط هستند را تهیه و تحریم‌هایی را علیه آنان نظیر بلوکه کردن دارایی‌ها، منع ورود به اروپا و منع تجارت شرکت‌ها در اتحادیه اعمال کردند. برخی از تحریم شدگان، تصمیمات اتحادیه را به چالش کشانده و با مراجعه به دادگاه‌های اروپایی که منجر به پیروزی برخی از آن‌ها نیز گردید، سیاستمداران اروپایی را گرفتار کرده و زنگ خطر را در آمریکا نیز به صدا درآوردند.

دولت‌های اروپایی از افشای شواهد و مدارک ارتباط افراد و شرکت‌های ایرانی با برنامه هسته‌ای امتناع کرده و اظهار داشتند که افشای اطلاعات محرمانه، به تضعیف تلاش‌های آنان در مقابله با برنامه هسته‌ای منجر خواهد شد. دادگاه‌ها نیز چنین استدلالی را رد کرده و ارائه شواهد و مدارک را ضروری دانستند. وکلای ایرانی نیز استدلال کردند که هیچ‌سندی که ارتباط آنان با برنامه هسته‌ای را ثابت کند، وجود ندارد. این استدلال در قضیه بانک ملت مورد حمایت قضات انگلیسی نیز قرار گرفت. رئیس دادگاه از وکلای اتحادیه اروپا خواست تا شواهد و مدارک خود را

ارائه نمایند و آنان اذعان داشتند «مدرکی وجود ندارد. این، ایران است و شما باید فرض کنید که مدرکی وجود دارد». قاضی نیز با اظهار این که «اینجا دادگاه است و شما نمی‌توانید به تصور چیزها بپردازید»، در ژانویه ۲۰۱۳ جمع‌بندی کرد که اتحادیه اروپا «حق دفاع» بانک ملت را نقض کرده است (Reuters, 2013).

در ژوئن ۲۰۱۳ نیز بانک ملت در قضیه‌ی دیگر نزد دیوان عالی انگلیس برنده شد. قضات دیوان عالی، اعمال تحریم‌ها توسط دولت انگلیس علیه بانک ملت را اشتباه دانسته و به دلیل مجاز بودن برگزاری نشست غیرعلنی در دادگاه‌های انگلیس، حتی فراتر از دادگاه‌های اتحادیه رفته و حکم دادند که اقدامات علیه بانک خودسرانه و غیرمنطقی بوده و مدارک و شواهد محرمانه دولت‌ها نیز ضرورتاً نمی‌تواند برای توجیه تحریم‌ها کافی باشد. حکم مشابهی نیز در فوریه ۲۰۱۳ برای بانک صادرات و در ماه می ۲۰۱۳ برای شرکت ایران ترانسفو که متهم به مشارکت در ساخت تاسیسات فردو بود، صادر شد (Ibid). احکام دادگاه عمومی اتحادیه اروپا مبنی بر خروج برخی اشخاص ایرانی از فهرست تحریم‌ها حاکی از این است که تحریم‌ها در خود اتحادیه نیز با چالش‌های حقوقی مواجه هستند!

دیدگاهی در بین اندیشمندان حقوقی بر این باور است که به خاطر تکرار استفاده از تحریم‌های یک‌جانبه توسط دولت‌ها از زمان جنگ جهانی دوم به این سو، این رویکرد که حقوق بین‌الملل عرفی مغایر با این رویه است، تضعیف می‌شود. آنان بر این عقیده‌اند از آنجا که کمک اقتصادی داوطلبانه است و از اختیارات دولت کمک‌کننده به شمار می‌آید، توقف این اقدام را به سختی می‌توان تحت عنوان مداخله قهری تلقی نمود. همچنین نمی‌توان آن را نقض مفاد منشور ملل متحد که حق کشورها و رهایی از مداخله خارجی در امور داخلی خود را به رسمیت می‌شناسد، دانست (Chuang, 2006, p.460).

۱. احکام مشابهی نیز در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۲ برای بانک سینا، در ۵ فوریه ۲۰۱۳ برای بانک صادرات و در ۶ سپتامبر ۲۰۱۳ برای پست بانک صادر گردید. چنین آرای‌های درخصوص برخی شرکت‌های ایرانی نیز صادر شد، مانند شرکت بیمه ایران، شرکت کشتیرانی، شرکت کشتیرانی شارپ، شرکت فولمن، و شرکت نفت توریو کمپرسور.

طرفداران این دیدگاه اذعان می‌دارند در حالی که بند چهار ماده دو^۱ منشور ملل متحد اقدامات یکجانبه متضمن استفاده از زور را ممنوع می‌کند، اما آشکارا اقدامات غیرنظامی یکجانبه نظیر تحریم‌های اقتصادی توسط اعضای سازمان ملل را منع نمی‌نماید. مخالفین این رویکرد که اکثریت را نیز تشکیل می‌دهند، بر این عقیده اند که بند چهار ماده دو و بند هفت ماده دو^۲، با هم به طور ضمنی هرگونه مداخله غیرنظامی شامل اقدام اقتصادی یکجانبه را منع می‌کنند^۳. در همین چارچوب، اندیشمندان حقوقی برجسته ای نظیر اوپنهایم بر این باورند که بند چهار ماده دو محدود به تهدید استفاده از زور است و بند هفت ماده دو نیز فقط در مورد اقدامات سازمان ملل به کار می‌رود و نه اقدامات کشورهای عضو به طور جداگانه (Jennings & Watts, 1992, p.447).

اصول بنیادینی که بر روابط بین‌الملل حاکم بوده و آن را قاعده مند می‌کند، در منشور ملل متحد و اعلامیه ۱۹۷۰ روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها تصریح شده اند. این اصول شامل برابری حاکمیت دولت‌ها، عدم بکارگیری زور، تعیین سرنوشت مردم، عدم مداخله در امور داخلی و خارجی دولت‌ها، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی، همکاری میان دولت‌ها و انجام با حسن نیت تکالیف پذیرفته شده تحت حقوق بین‌الملل می‌باشند (AALCO. Ibid, p.39). تحریم‌های یکجانبه، اصول اساسی منشور ملل متحد، به ویژه اصول برابری حاکمیت و تمامیت سرزمینی، اصل عدم مداخله و اصل همکاری را نقض می‌کنند.

از سوی دیگر، این دیدگاه که تحریم‌های یکجانبه و ثانویه غیرمجاز، غیرقابل توجیه و ناقض اصول مشخصی از حقوق بین‌الملل هستند، دیدگاه جدید یا منحصر به فردی نمی‌باشد. اکثریت

۱. بند چهار ماده دو منشور مقرر می‌دارد: تمامی اعضای سازمان در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود.

۲. بند هفت ماده دو منشور تصریح می‌کند: هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضاء را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند، لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد کرد.

۳. به عنوان مثال، نگاه کنید به UN. Doc. A/Res/39/210, 1994. مجمع عمومی در سی و نهمین اجلاس خود در سال ۱۹۸۴، قطعنامه ای را تحت موافقت نامه گات تصویب نمود. در این قطعنامه تاکید شد: کشورهای توسعه یافته بایستی از تهدید یا اعمال محدودیت‌های تجاری، محاصره، تحریم‌های تجاری و دیگر تحریم‌های اقتصادی، ناسازگار با منشور ملل متحد و در نقض تعهدات قراردادی خود، چندجانبه یا دوجانبه، علیه کشورهای در حال توسعه به عنوان نوعی فشار سیاسی و اقتصادی که توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، خودداری نمایند.

جامعه بین‌المللی به طور مداوم تحمیل اقدامات اقتصادی را در مجامع مختلف بین‌المللی تقبیح کرده‌اند. از طرف دیگر، جامعه بین‌المللی تنها به سازمان ملل متحد اختیار داده است که در وضعیت‌های خاص که تهدید علیه صلح یا نقض صلح وجود دارد، اقدامات قهرآمیز اقتصادی را اتخاذ نماید. اقدامات یکجانبه دولت‌ها برای اعمال اقدامات اقتصادی قهرآمیز علیه سایر دولت‌ها، هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل ندارد. قطعنامه‌های مختلف مصوب ارکان ملل متحد نیز بر این نکته تأکید دارند (ظریف و میرزایی، ۱۳۷۵، ص ۹۶). هرچند صرفاً قطعنامه‌های شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد و برابر ماده ۲۵ منشور، چنانچه مطابق با منشور باشند، لازم الاجراء هستند، اما قطعنامه‌های سازمان‌های مختلف بین‌المللی نیز با اکثریت اعضای جامعه بین‌المللی به تصویب می‌رسند. قطعنامه‌های مجمع عمومی هرچند لازم الاجراء نیستند، اما در برخی موارد مبین حقوق بین‌الملل عرفی هستند، مانند اعلامیه ۱۹۷۰ روابط دوستانه میان ملل. از این رو، قطعنامه‌های چهار سازمان مزبور در سطح وسیعی نشان دهنده عقیده جامعه جهانی در مورد موضوعات مورد بحث است. از طرف دیگر، این قطعنامه‌ها می‌توانند اساسی را برای توسعه حقوق بین‌الملل عرفی فراهم نمایند.

به عنوان یک جمع‌بندی کلی از این بحث، می‌توان گفت حتی در صورت نقض تعهدات عام‌الشمول یا همگانی^۱ به شیوه‌ای که به تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوز بیانجامد، این وضعیت در زمره صلاحیت شورای امنیت قرار می‌گیرد. آمریکا و اتحادیه اروپا در وضع تحریم‌های یک‌جانبه علیه سایر کشورها از جمله ایران، به نقض ادعایی برخی تعهدات عام‌الشمول استناد می‌کنند، مانند: حقوق بشر، حقوق پناهندگی، عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، منع قاچاق بین‌المللی موادمخدر، تروریسم بین‌المللی و عدم اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت از سوی کشورهای هدف نیز از دیگر دلایل تحریمی اعلام شده است (Mani, 1998, p.24). چنانچه این موارد ادعایی نقض تعهدات عام‌الشمول مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی باشد، این وظیفه شورای امنیت سازمان ملل است که اولاً، در مورد ماهیت این تعهدات و نقض‌های ادعایی، ثانیاً، در مورد احراز نقض، و ثالثاً، در مورد اقداماتی که در صورت نقض تعهدات باید انجام شوند، تصمیم بگیرد. این وظیفه ایالات متحده آمریکا یا گروهی از کشورها نظیر اتحادیه اروپا نمی‌باشد که به طور یک‌جانبه در خصوص این مسائل تصمیم گرفته و تحریم‌هایی را از جمله با اجرای فراسرزمینی قوانین خود،

۱. Erga Omnes

اعمال نمایند. به عبارتی دیگر، هنگامی که یک نهاد بین‌المللی وجود دارد که جامعه بین‌المللی را نمایندگی می‌کند، توسل به تحریم‌های یکجانبه به خاطر نقض تعهدات ادعایی، غیرمجاز و غیرقانونی است.

۲. تاثیر تحریم‌ها بر بهره‌مندی افراد از حقوق بشر

بعد از تشکیل سازمان ملل، حقوق بشر جایگاه رفیعی را در جامعه جهانی به دست آورده است و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از طریق معاهدات مختلف، تعهد خود را نسبت به موازین بین‌المللی حقوق بشر اعلام نموده‌اند؛ موازینی که بسیاری از آن‌ها قبل از انعقاد معاهدات حقوق بشری به عنوان قواعد عرفی حقوق بین‌الملل نیز الزام آور بوده‌اند (زمانی، ۱۳۹۲، ص ۳۶).

حقوق بشر بین‌المللی به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران، تحدیدگر سازمان ملل متحد در مسیر تحریم‌ها به شمار می‌رود. سازمان ملل متحد که متشکل از کشورها بوده و فاقد عضویت اسناد بین‌المللی تضمین‌گر حقوق بشر است، قطعنامه‌های صادره از سوی مجمع عمومی آن، در زمره اسناد حقوقی به شمار نمی‌رود و فاقد جنبه الزام‌آوری و تعهد‌آوری نسبت به اعضا و سازمان ملل است. از این‌رو، تنها تعهد حقوقی که می‌تواند به نوعی تحدیدگر سازمان ملل متحد قرار گیرد، حقوق بین‌الملل عمومی است. احترام به منشور سازمان ملل متحد به عنوان سند موسس این سازمان، که متضمن ترویج حقوق بشر است، یک تکلیف الزامی برای سازمان به شمار می‌رود. از این‌رو، شورای امنیت سازمان ملل متحد چنانچه اقدام به نقض حقوق بشر از مسیر اعمال تحریم‌های اقتصادی تحت فصل هفتم منشور ملل متحد نماید، مقاصد خود را اجراء نکرده است (Wittich, 2008, p.50).

تحدید حقوق بشر از سوی دولت‌ها و نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد به هنگام اعمال اختیارات اجرایی خود، مسأله‌ای قابل تأمل است. بند (۲) ماده (۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مشتمل بر حقوق بشری غیرقابل تخطی است که باید توسط کشورها حتی در شرایط اضطراری نیز محترم شمرده شوند. حق حیات^۱، منع شکنجه^۲، منع برده‌داری^۳، حق آزادی اندیشه و

۱. بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۲. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۳. بندهای ۱ و ۲ و ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

عقیده و مذهب^۱ در زمره مهمترین این حقوق‌ها به‌شمار می‌رود. شورای امنیت سازمان ملل متحد و دولت‌ها نیز، با توجه به آنکه این حقوق به مثابه گسترده‌ترین اشکالِ هنجارهای شکل‌دهنده‌ی قواعد آمره در سازمان ملل متحد تلقی می‌شوند، صرف‌نظر از اینکه تمامی اعضای آن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب کرده‌اند یا نه، نمی‌توانند آن‌ها را به عنوان حقوق قابل تخطی مدنظر قرار دهند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «Barcelona Traction» (مربوط به یک شرکت الکتریکی کانادایی مستقر در اسپانیا) به موضوع «تعهدات غیرقابل تخطی» در چارچوب حقوق بنیادین بشر پرداخت و ضمن تشریح تعهدات غیرقابل تخطی، بر این مسأله تأکید نمود که باید یک تفکیک اساسی بین تعهدات دولت در قبال جامعه بین‌المللی و تعهدات نسبت به دولت دیگر در چارچوب حمایت سیاسی قائل شد. تعهدات دسته اول که از آنها تحت عنوان تعهدات غیرقابل تخطی نیز یاد می‌شود، به لحاظ اهمیتشان به همه دولت‌ها مربوط می‌شوند و از این جهت، تمامی دولت‌ها می‌توانند برای حفظ آنها دارای منفعت حقوقی باشند (ICJ Reports 1970).

به موجب بند (۱) ماده (۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، «حقوق قابل تخطی صرفاً در شرایط اضطراری قابل عدول می‌باشند.^۲» در رابطه با تحریم‌های شورای امنیت نیز، این سؤال مطرح می‌شود که آیا وضعیت‌هایی که این شورا به مواد (۴۱) و (۴۲) منشور ملل متحد متوسل می‌شود، «وضعیت اضطراری» تلقی شده و شورای امنیت حق دارد حقوق حمایت شده در میثاقین را محدود نماید؟ بر طبق نظر کمیته حقوق اقتصادی،

۱. بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۲. بند ۱ ماده ۴ تصریح می‌کند: «کشورهای عضو میثاق در مواقع اضطراری عمومی که حیات ملت را تهدید می‌کند و وجود آن اضطرار به طور رسمی اعلام گردیده است، می‌توانند اقداماتی را برای عدول از تعهدات خود تحت میثاق، به اندازه‌ای که مورد نیاز باشد، اتخاذ نمایند؛ مشروط به اینکه چنین اقداماتی با دیگر تعهدات آنان تحت حقوق بین‌المللی ناسازگار نباشد و متضمن تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، جنسیت، زمان، مذهب یا فشار اجتماعی نباشد». البته ادامه این ماده، حقوقی را که غیرقابل عدول هستند نیز مشخص نموده است. در همین راستا، کمیته حقوق بشر در اظهارنظر عمومی شماره ۵ خود نیز تأکید کرده است: «اقداماتی که تحت ماده ۴ میثاق اتخاذ شده‌اند، دارای ماهیت استثنایی و موقتی هستند. این اقدامات تنها مادامی ادامه می‌یابند که حیات ملت مربوط تهدید می‌شود. همچنین، در زمان‌های اضطراری، حمایت از حقوق بشر بسیار مهم تر می‌شود، به ویژه حقوقی که نمی‌توان از آن‌ها عدول کرد».

Human Rights Committee, General Comment No.5, Derogation of Rights (Article 4), 31 July 1981, at Para 3, available at: www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/.

اجتماعی و فرهنگی، صرف تصمیم بر تحمیل تحریم‌ها به دستاویز ملاحظات صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌تواند موجبی برای غیرقابل‌اعمال‌سازی و نادیده‌انگاری مفاد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد و کشور تحت تحریم و جامعه بین‌المللی باید برای حمایت از اساسی‌ترین حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم کشور هدف، هر اقدامی را انجام دهند (Committee on Economic, Social and Cultural Rights, 1999). این جمع‌بندی کمیته می‌تواند به عنوان تأیید مجددی بر این انتظار از شورای امنیت باشد که باید بر طبق هنجارهای حقوق بشر که تحت نظارت سازمان ملل توسعه یافته‌اند، اقدام نماید. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که اختیار شورای امنیت برای محدود نمودن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌تواند به عنوان مجوزی برای تعلیق این حقوق نیز تلقی شود.

به خاطر تاثیرات قابل‌پیش‌بینی و هزینه‌مند، با تحریم‌های اقتصادی باید مشابه سلاح جنگی و حمله مسلحانه رفتار کرد، چرا که خساراتی را به بار می‌آورند که عمدتاً در اثر حملات نظامی متعارف ایجاد می‌شوند. تحریم‌ها بعضاً به جای اقدامات نظامی به کار می‌روند و از این منظر، زورمدارانه هستند و موجب «خسارات موازی» خواهند شد (Owen, 2012, p.115).

شورای حقوق بشر نیز در قطعنامه ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴ خود در خصوص اقدامات زورمدارانه یکجانبه و حقوق بشر با اذعان به این که اقدامات زورمدارانه یکجانبه در قالب تحریم‌های اقتصادی می‌تواند آثار سوئی را برای حقوق بشر جمعیت کشور هدف داشته باشد، از تاثیر منفی این اقدامات بر حق حیات، حق بهداشت و مراقبت‌های پزشکی، حق‌رهایی از گرسنگی، حق استاندارد مناسب زندگی، غذا، آموزش، کار و مسکن ابراز نگرانی کرده است. شورا همچنین تأکید کرده است که کالاهای اساسی نظیر غذا و دارو نباید به عنوان ابزارهایی برای فشار سیاسی به کار روند و مردم نباید تحت هیچ شرایطی از ابزارهای مورد نیاز برای ادامه حیات و توسعه محروم شوند (HRC Resolution, op-cit). تحریم‌ها چه از سوی شورای امنیت اعمال شوند و چه به صورت یکجانبه، بر حقوق اساسی بشر تاثیر می‌گذارند. بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که شورای امنیت نیز به هنگام تصمیمات خود حتی در زمینه «تحریم‌های هدفمند»^۱ ملزم به رعایت حقوق بشر می‌باشد، چرا که تحریم‌ها بر

۱. افزایش تحریم‌ها و عدم دستیابی به تمامی اهداف آن‌ها همچنین آثار نامطلوبی که تحریم‌ها بر شهروندان داشته است، به ویژه در یوگسلاوی سابق و عراق، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا در مورد شکل و نوع اعمال تحریم‌ها تجدیدنظر شود. از این‌رو،

حقوق بشر مردم تاثیر می‌گذارند (Constantinides, 2009, p.208). به طور عمومی پذیرفته شده است که شورای امنیت ملزم به رعایت اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به هنگام وضع، نظارت و بررسی رژیم‌های تحریمی است. اختیار وضع تحریم بایستی در چارچوب کلیت منشور نگریسته شود و بر طبق اهداف و اصول منشور که شامل ترویج حقوق بشر و هنجارهای حاکم حقوق بین‌الملل نیز می‌شود، اعمال شوند (International Review of the Red Cross, 1999).

تاثیر تحریم‌ها بر زیرساخت‌ها و ایجاد درد و رنج در جمعیت کشور هدف غیرقابل انکار می‌باشد. همانگونه که «مایو» در مقاله «تحریم‌های یکجانبه علیه دولت میانمار» اذعان نموده است، «تحریم‌های اقتصادی منجر به وخامت اوضاع در زیرساخت‌های عمومی می‌شوند که به نوبه خود جمعیت در کشور هدف را با یک بحران بشردوستانه مواجه می‌کنند» (Myo, 2008, p.508). برابر یافته‌های «هوقس» نیز تحریم‌ها رنج و درد غیرنظامیان را با آثار سوء بشردوستانه افزایش می‌دهند. چنین آثاری خود را در سوء تغذیه، افزایش آمار مرگ و میر نوزادان به هنگام تولد، بهداشت عمومی، نرخ اشتغال و کمبود کالا نشان می‌دهند (Hughes, 2007, p.323).

هرگونه اعمال اقدامات زورمدارانه به خاطر روابط اجتماعی غیرقابل اجتنابی که بین اهداف مشخص شده و طرف‌های بی‌گناه وجود دارد، موجب خسارات جانبی (Collateral Damage) یا تاثیرات مضاعف می‌شود (Double Effect) (Coomans, 2003, p.235). تحریم‌ها نه تنها تاثیر غیرقابل اجتنابی نسبت به جان افراد در کشور هدف دارند، بلکه بر بهره‌مندی آنان از حقوق خود مانند حق بهداشت یا حق غذا تاثیرات زیان‌باری خواهند داشت. حتی تحریم‌های محدود نیز مغایر با اصول حقوق بشر می‌باشند. در برخی موارد تاثیر تحریم‌ها مستقیم است، مانند محدودیت‌های مسافرتی یا پروازی که مغایر با حق آزادی جابجایی و ورود و خروج افراد از/به کشور خود خواهد بود (Ibid, p.249). تحریم‌های مالی نیز بر حق تملک و دارایی افراد تاثیر می‌گذارند. تحریم‌ها همچنین در برخی موارد بر زندگی شخصی (privacy)، حیثیت و حقوق خانواده تاثیر می‌گذارند. مهمترین موضوع در بحث تحریم‌ها، فقدان دادرسی است. دادرسی و امکان برخورداری از یک محاکمه عادلانه، از مهمترین حقوق اساسی هر شخص یا موجودیتی است (Magnusson, 2008, p.50).

حق تعیین سرنوشت نیز یکی از اساسی‌ترین و مهمترین حقوق بشر به علت رابطه پیچیده آن با اصول بنیادین حاکمیت و دولتمداری است. این حق و تعهد به احترام و حمایت از آن، جزو قواعد آمره به رسمیت شناخته شده است که متأسفانه به هنگام تحمیل تحریم‌های یکجانبه و ثانوی نقض می‌گردد (AALCO, 2013, p.184). حق توسعه نیز به طور روزافزونی در حال کسب مقبولیت به عنوان حق بشر می‌باشد و تحریم‌های اقتصادی به طور مستقیم و غیرمستقیم علیه بهره‌مندی از این حق عمل می‌کنند.

واضعان تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران نیز با اعمال تحریم، بیشترین آسیب را به حق مردم ایران در برخورداری از موازین اساسی حقوق بشر وارد نموده و باعث محرومیت یا حداقل محرومیت مردم ایران در برخورداری از این حقوق همچون حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی، سلامت و بهداشت، آموزش و توسعه شده‌اند (زمانی، پیشین، ص ۴۱). گزارش موسسه آمریکایی «پروژه ایران» در سال ۲۰۱۲ اذعان می‌کند که «تحریم‌ها بر استاندارد زندگی و رفاه مردم ایران از جمله در حوزه غذا و دارو تاثیر گذاشته است» (Iran Project, 2012, p.15). گزارش ۲۰۱۳ مرکز کنترل تسلیحات و عدم اشاعه نیز درخصوص تاثیرات بشردوستانه تحریم‌ها بر شهروندان ایرانی نوشته است «در حالی که ظاهراً غذا و دارو مصون از تحریم‌هاست، اما استفاده فزاینده از تحریم‌های مالی موجب شده است تا صادرکنندگان مربوطه به خاطر ترس از تحریم‌های احتمالی توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا و عدم اطمینان از وصول پول خود، دل‌سرد شده‌اند» (Heely, 2013, p.4). در همین راستا، «تیری میسان» نیز در مصاحبه ۵ مارس ۲۰۱۲ خود می‌گوید «تحریم‌ها مغایر حقوق بشر هستند. آمریکا در حالی که ادعا می‌کند از حقوق بشر در سراسر جهان حمایت می‌کند، از طریق تحریم‌ها حقوق اساسی مردم ایران را نقض می‌کند. تحریم‌ها یک اقدام جنگی هستند که یک تجاوز به شمار می‌روند. واضعان تحریم حتی تجارت دارو را نیز ممنوع کرده‌اند و این حمله به حقوق بشر است و جای هیچ سوالی در این خصوص وجود ندارد» (Thierry Meyssan Interview, 2013).

تحریم‌های اقتصادی و حقوق بشر با هم سازگار نیستند و به بی‌راهه می‌رویم اگر باور داشته باشیم که تحریم‌ها به بهبود حقوق بشر در کشورهای هدف کمک خواهند کرد. تحریم‌های اقتصادی مغایر روح حقوق بشر بوده، چرا که صریحاً و ضمناً شهروندان عادی کشور تحت تحریم را در معرض درد و رنج قابل ملاحظه‌ای قرار می‌دهند که خود به مجازات جمعی منجر می‌شود.

۳. تحریم‌های ثانوی در پرتو قواعد رژیم تجارت جهانی

تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای مختلف از جمله ایران، در بسیاری از موارد دارای ماهیت ثانوی نیز هستند. با در نظر گرفتن این که عموماً کشورهایی که با این تحریم‌ها هدف قرار گرفته‌اند، اعضای سازمان تجارت جهانی و دیگر معاهدات بین‌المللی نیز بوده و یا موافقت‌نامه‌های دوجانبه با آمریکا دارند، این سوال مطرح می‌شود که تا چه میزان تحریم‌های یکجانبه و ثانویه به حقوق بین‌الملل تجارت و معاهدات دوجانبه و چندجانبه پایبند است؟

سازمان تجارت جهانی تا اول ژوئن ۲۰۱۷ دارای ۱۶۴ عضو و ۲۱ ناظر بوده است که در مجموع، بیش از ۹۹/۹۵ درصد تجارت جهانی، ۹۹/۹۷ درصد تولید ناخالص داخلی و ۹۹/۳ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. نهاد حل و فصل اختلافات (Dispute Settlement Body) سازمان تجارت جهانی به عنوان بخش قضایی، از مهمترین ارکان سازمان می‌باشد. از ۱۹۹۵ تا اول ژوئن ۲۰۱۷ نیز ۵۰۰ شکایت نزد این نهاد به ثبت رسیده و هیات‌های سازمان تجارت جهانی ۳۵۰ تصمیم اتخاذ کرده‌اند (www.wto.org). حدود ۹۰ درصد تصمیمات منجر به احراز نقض مفاد سازمان تجارت جهانی می‌شوند و در بیش از ۹۰ درصد نیز کشورهای خواننده به این تصمیمات پای‌بند هستند (Paul Alford, 2011, p.697).

با این سابقه روشن در حل و فصل اختلافات، موجب تعجب است که در سازمان تجارت جهانی استثنائی غیرقابل تجدیدنظر نسبت به تمامی قواعد سازمان یافت می‌شود که اعمال آن منحصر در اختیار کشور عضو قرار گرفته است: استثنای امنیتی (Security Exception). ماده ۲۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) مقرر می‌دارد هیچ چیزی در این موافقت‌نامه نباید به گونه‌ای تعبیر شود که:

الف- کشور عضوی را ملزم نماید تا اطلاعاتی ارائه نماید که افشای آن‌ها را مغایر با منافع امنیتی اساسی خود می‌بیند؛ یا

ب- کشور عضوی را از اتخاذ هر اقدامی که برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی خود در حوزه‌های زیر ضروری می‌بیند، منع نماید:

- در ارتباط با مواد شکافت پذیر یا مواد مشتق از آن‌ها؛
- در ارتباط با قاچاق تسلیحات، مهمات و ابزار جنگی و قاچاق سائر کالاها و مواد که مستقیم یا غیرمستقیم با هدف تأمین یک قرارگاه نظامی سر و کار دارند؛

• هر اقدامی در زمان جنگ یا دیگر وضعیت‌های اضطراری در روابط بین‌الملل؛

ج- منع هر کشور عضو از اتخاذ اقدامی در پیگیری تعهدات خویش تحت منشور ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی (GATT, 1994, Art.XXI).

از این رو، «استثنای امنیتی» پنج مقوله را در برمی‌گیرد: اطلاعات امنیت ملی، مواد هسته‌ای، کالاها و خدمات نظامی، جنگ و وضعیت‌های اضطراری بین‌المللی، تعهدات منشور ملل متحد. فقط یکی از استثنائات مزبور (بند ج) واجد یک استاندارد عینی می‌باشد و چهار استثنای دیگر، واجد وصف «خود قضاوت کننده» هستند. این در حالی است که روح و هدف معاهده «آزادسازی تجاری» است و روح و هدف استثنای امنیتی «حفاظت از منافع امنیتی» می‌باشد.

تفسیر واژه «ضروری» نیز از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. سازمان تجارت جهانی این واژه را در گزارش پنل گات در قضیه تایلند^۱، اینگونه تفسیر کرده است که «ضروری» یعنی این که هیچ «هیچ راهکار جایگزین دیگری» وجود ندارد (Dispute Settlement Panel Report on Thailand, 1990). پنل حل و فصل اختلافات تجاری سازمان همچنین در سال ۱۹۸۹، این واژه را اینگونه تفسیر نمود: «یک دولت عضو نمی‌تواند یک اقدام ناسازگار با دیگر مفاد گات را به عنوان یک اقدام ضروری توجیه نماید، چنانچه اقدام جایگزین دیگری که مخالف با مفاد گات نیز نمی‌باشند، مانند گفتگو و ازسرگیری روابط دیپلماتیک، در دسترس هستند» (McCullough Madman, 1997, p. 164).

بررسی رویکرد پنل حل و فصل اختلافات سازمان تجاری در قضایای مختلف، در روشن شدن تفسیر ماده ۲۱ گات، از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد. آمریکا با تصویب دو قانون تحریمی در سال ۱۹۹۶ (قانون تحریم‌های ایران و لیبی و قانون همبستگی دمکراتیک و آزادی کوبا موسوم به هلوز-برتون) و تصمیم به تحریم شرکت‌ها و اشخاص کشورهای ثالث که این قوانین را نقض کنند، درصددبرآمد تا قوانین و سیاست‌های خود را خارج از سرزمین خود نیز اعمال نماید. جامعه اروپا (European Community) بلافاصله با ابراز نگرانی شدید از فقدان سازگاری برخی جوانب این قانون یا تعهدات بین‌المللی آمریکا تحت گات، درخواستی را برای آغاز مشورت‌های سازمان تجارت جهانی در این زمینه ارائه نمود (Request for Consultation by the EC, 1996). از نظر کمیسیون اروپا، قانون هلمز-برتون این مفاد گات را نقض می‌کند: اصل دولت کامله الوداد (ماده ۱)، اصل عدم تبعیض (ماده ۳)،

آزادی ترانزیت (ماده ۵)، اصل حذف عمومی محدودیت های مقداری (ماده ۱۱)، مدیریت غیرتبعیض آمیز محدودیت های مقداری (ماده ۱۳) (PRIF, 1997, p.50).

نماینده آمریکا در جلسه ۱۶ اکتبر ۱۹۹۶ نهاد حل و فصل اختلافات با توسل به ماده ۲۱ گات، این اقدام آمریکا را به منظور تعقیب منافع امنیتی اساسی خود توجیه نمود. با پیگیری جامعه اروپایی در نشست ۲۰ نوامبر ۱۹۹۶ این نهاد، هیاتی برای رسیدگی به این اختلاف تشکیل شد. نماینده آمریکا با تاکید بر این که این اختلاف اصولاً یک موضوع تجاری نیست، تهدید کرد که پیگیری بیشتر این موضوع مخاطرات جدی را بر این سازمان جدید که در آغازین مراحل توسعه خود قرار دارد، تحمیل می کند (Paul Alford, op-cit, p.720). طبیعتاً نه آمریکا و نه جامعه اروپایی تمایل نداشتند که اختلاف بر سر تحریم‌های ثانوی کوبا، به تضعیف سازمان تجارت جهانی بینجامد. از طرف دیگر، هر دو طرف نیز پیش از این به ماده ۲۱ گات متوسل شده بودند. کلیتون، رئیس جمهور وقت آمریکا، در ۳ ژانویه ۱۹۹۷ تاریخ اجرای تحریم‌های کوبا را به طور نامحدودی تعلیق نمود. رسیدگی سازمان تجارت جهانی و انتخاب مجدد کلیتون به عنوان رئیس جمهور، از عوامل اصلی این تغییر تصمیم می باشند. در نتیجه، جامع اروپا نیز در ۲۵ آوریل ۱۹۹۷ به سازمان اطلاع داد که از هیات تجاری سازمان درخواست کرده تا رسیدگی به این اختلاف را به حالت تعلیق درآورد، چرا که یک راه حل مورد قبول دو جانبه از طریق مذاکره در حال حصول می باشد. در سال بعد نیز طرفین بعد از وعده کلیتون برای اصلاح قانون تحریم‌های کوبا به گونه ای که مفاد ضربه زننده آن به اروپا برداشته شوند، به حل و فصل نهایی اختلاف رسیدند (Ibid, p.271).

بایستی خاطر نشان شود که تحولات حقوق تجارت بین الملل به نفع اعمال تحریم‌های تجاری در راستای اهداف حقوق بین الملل از جمله حقوق بشر نیست. برخی تصمیمات سازمان تجارت جهانی، اشکال مختلف تحریم‌های تجاری به عنوان گزینه ای برای ارتقای پابندی به تعهدات بین المللی را رد می کند. قید «وضعیت های اضطراری بین المللی» از مهمترین مفاد ماده ۲۱ گات می باشد و بیشتر کشورهایی که به «استثنای امنیتی» متوسل شده اند، به این قید اتکاء کرده اند. تفسیر این قید که وضعیت‌های اضطراری بین المللی چیست و چه مرجعی در خصوص ماهیت آن تصمیم می گیرد، بسیار مشکل است. در حالی که مفهوم «جنگ» در حقوق بین الملل مفهومی آشنا می باشد، اما «وضعیت‌های اضطراری بین المللی» یک اصطلاح حقوق بین الملل نیست. گات نیز به تعریف این اصطلاح نمی پردازد و تاریخ مذاکراتی و تصمیمات گات و سازمان تجارت جهانی نیز استانداردهایی

را برای تفسیر این قید ارائه نمی‌کنند. وضعیت‌های اضطراری بین‌المللی می‌تواند به شرائطی محدود شود که توسل به دفاع مشروع تحت ماده ۵۱ منشور ملل متحد، همانگونه که نیکاراگوئه در قضیه نیکاراگوئه استدلال کرد، را توجیه نماید (H.Cleveland, 2002, p.183).

هرچند ماده ۲۱ گات، ملاحظات و منافع امنیتی اعضای سازمان و توسل آن‌ها به اقدامات ضروری برای صیانت از این منافع را به رسمیت شناخته است، اما به نظر می‌رسد که صلاحیت‌اعضاء برای تشخیص منافع امنیتی خود را نمی‌توان یک اختیار «مطلق» تلقی نمود، و گرنه اعضاء به بهانه دلایل امنیتی و در واقع با اهداف حمایتی، می‌توانند هر لحظه تمامی تعهدات خود را زیر پا گذاشته و کارآیی نظام حل اختلافات سازمان تجارت جهانی را از بین ببرند (بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۲۴).

در قضیه تحریم‌های آمریکا علیه نیکاراگوئه، تنها گزارش پانل گات برای بررسی استثنائات امنیتی هرگز تصویب نشد. آمریکا استدلال کرد که ماده ۲۱ گات به هر اقدامی که عضو متعهد آن را برای حفاظت از منافع ملی خود ضروری می‌بیند، اعمال می‌شود. از اینرو، توجیه این موضوع منحصر در اختیار دولت عضو متعهدی است که به اقداماتی دست زده است. پانل گات نیز بر این نظر بود که چنین توجیهی حق کشور شاکی را که شکایتش باید به طور کامل مورد رسیدگی قرار گیرد، نقض می‌کند. از اینرو، استثنائات امنیتی و اقدامات کشورها در این زمینه محدود به مواردی است که در ماده ۲۱ گات فهرست شده است (Lafortune, 2012, p.51). نیکاراگوئه نیز استدلال کرد که قید وضعیت‌های اضطراری بین‌المللی باید در پرتو اصول اساسی حقوق بین‌الملل تفسیر شود و بایستی صرفاً به عنوان توجیهی برای توسل به دفاع مشروع توسط دول عضو در صورت تجاوز واقع شدن در نظر گرفته شود (Report of the GATT Dispute Panel on U.S Trade Measures, 1986). نیکاراگوئه همچنین اظهار داشت: «وضعیت اضطراری بین‌المللی فقط در دو شرایط می‌تواند مورد استناد قرار گیرد: اول اینکه اقدام متخذه برای حفاظت از منافع اساسی امنیتی، ضروری باشد. دوم اینکه اقدام در زمان جنگ یا دیگر وضعیت‌های اضطراری در روابط بین‌الملل اتخاذ شود. هیچ یک از شرایط مزبور در قضیه نیکاراگوئه/آمریکا مصداق نمی‌یابد. کشور کوچکی مثل نیکاراگوئه نمی‌تواند تهدیدی را علیه امنیت آمریکا شکل دهد. از این رو، هیچ اضطراری طبق ماده ۲۱ گات وجود ندارد. دو کشور نیز در شرایط جنگی به سر نمی‌برند» (Ibid).

به صورت کلی، اضطرار وضعیتی است که انسان برای حفظ جان، مال، حق خود یا دیگری ناچار از ارتکاب جرم شود. به عبارت دیگر، وضع اضطراری گریزگاهی است که انسان ناچار از

اختیار میان دو امر گردد: اول، اطاعت از دستور قانون‌گذار و رویارویی با خطر و تحمل ضرری هنگفت و دوم، آسیب رساندن به مال غیر و تجاوز به حق دیگری و سرانجام ارتکاب جرم (ضرورت یا اضطراب در حقوق کیفری، magazine.shame.ir). ماده چهار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که تحت شرایطی اتخاذ اقدامات خارج از مفاد میثاق را مجاز می‌داند، آن را منوط به وضعیت‌های اضطراری عمومی که حیات ملت را تهدید می‌کند، می‌نماید: «کشورهای عضو این میثاق در زمان پیشامدهای اضطراری عمومی که حیات ملتی را تهدید می‌کند و وجود آن پیشامد به طور رسمی اعلام گردیده است، می‌توانند اقدامات لازم را خارج از مفاد این میثاق و تعهدات خود نسبت به آن را بنابر وضعیت و مقتضیات به‌عمل آورند، مشروط بر اینکه این اقدامات متناقض با دیگر تعهدات حقوق بین‌الملل خود نباشد (و نیز) تبعیض انحصاری بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، منشاء مذهبی یا اجتماعی در بر نداشته باشد» (International Covenant on Civil and Political Rights, 1966). از این روست که کمیته میثاق حقوق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اظهارنظر عمومی خود در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷ تأکید کرد: «حتی در وضعیت اضطراری بین‌المللی که توسط شورای امنیت محرز می‌شود، اعمال محدودیت حداقل حقوق اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجاز نمی‌باشد» (CESCR General Comment, 1997). با این توصیف، منطقی به نظر می‌رسد که وضعیت اضطراری بین‌المللی به وضعیت‌هایی اطلاق شود که تهدیدات امنیتی جدی را متوجه شهروندان یک کشور می‌نماید تا به آن کشور اجازه دهد به اقداماتی مبادرت نماید.

گات در قضیه دلفین/تن نیز حکم داد که تحریم‌های ثانوی با قواعد رژیم تجاری سازگاری ندارند. در آغاز دهه ۱۹۹۰، آمریکا تحریم‌های ثانوی را علیه کشورهای واردکننده ماهی تن از کشورهایی که روش ماهیگیری آنان با استانداردهای آمریکا سازگاری نداشت، اعمال کرد. آمریکا استدلال کرد این اقدام با استثنائات ماده ۲۰ (ب) گات^۱ سازگاری دارد. پانل گات نیز پس از رسیدگی به این قضیه، جمع‌بندی کرد که ماده ۲۰ اجرای فراسرزمینی قوانین آمریکا را توجیه نمی‌کند. گزارش پانل تصریح می‌کند «حتی اگر ماده ۲۰ اینگونه تفسیر شود که به اعضای متعاقد

۱. ماده ۲۰ گات ناظر بر استثنائات عمومی است. طبق این ماده چنانچه اقدامات ضروری نسبت به واردات محصولات خاص به گونه‌ای خودسرانه و تبعیض آمیز به کار نرود، این موافقت نامه از اتخاذ و اجرای برخی اقدامات توسط کشورهای عضو جلوگیری نخواهد کرد، مانند: اقدامات ضروری برای حفاظت از اخلاق عمومی، زندگی یا سلامت انسان و حیوان، واردات و صادرات طلا یا نقره، محصولات کار زندان، خزانه ملی و ...

اجازه اتخاذ اقدامات تجاری به منظور وادار کردن دیگر کشورهای متعاقد به تغییر سیاست های خود در قلمرو سرزمینی خود شوند، تعادل حقوق و تکالیف بین کشورهای متعاقد به ویژه حق دسترسی به بازارها به طور جدی به مخاطره خواهد افتاد. طبق چنین تفسیری، گات دیگر به عنوان چارچوبی چندجانبه برای تجارت بین کشورهای عضو به کار نخواهد رفت» (Lafortune, op-cit).

به طور اصولی، نظام سازمان تجارت جهانی^۱ و موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۲، بر اصل تجارت آزاد مبتنی است. هدف این نظام، ایجاد یک نظم تجارت بین‌المللی براساس اصول عدم تبعیض و دسترسی برابر به تمامی اعضاء می باشد. از طرف دیگر، اصل دولت کامله الوداد مصرح در ماده یک گات و ماده دو موافقت نامه عمومی تجارت در خدمات (گاتس)^۳، سنگ بنای نظام تجاری در سازمان تجارت جهانی است که بر تمامی جوانب تجارت و خدمات که به هر یک از اعضای سازمان اعطاء می شود، اعمال می گردد. هدف اصلی دولت کامله الوداد، فراهم نمودن فرصت برابر واردات و صادرات برای اعضای مختلف سازمان تجارت جهانی و ارائه خدمات قابل مقایسه از ارائه کنندگان خدمات از تمامی اعضای سازمان، بدون هیچگونه تبعیضی می باشد. به عبارتی دیگر، قید دولت کامله الوداد مقرر می دارد که اعضای سازمان مجاز به کاهش مزایا یا محدود نمودن خدمات به یکی از اعضاء، بدون کاهش برابر آن ها برای تمامی اعضای سازمان نمی باشند (Horn & Mavroidis, 2001, p.233).

علیرغم وجود قید دولت کامله الوداد در موافقت نامه های تجارت بین‌المللی، آمریکا با وضع قوانین مختلف تحریمی و دستورات اجرایی رئیس جمهور، محدودیت ها و تحریم‌های ثانویه‌ای را علیه برخی اعضای سازمان تجارت جهانی که با ایران روابط تجاری داشته یا به ارائه خدمات می‌پرداختند، اعمال نموده است. این در حالی است که این محدودیت ها در مورد دیگر اعضای سازمان اعمال نشده است.^۴ کاملاً آشکار است که این تحریم‌ها و محدودیت ها، تاثیر معکوسی را بر اصل دولت کامله الوداد داشته و می توان این گونه جمع‌بندی کرد که ماده یک گات و ماده دو گاتس در این قضیه نقض شده‌اند (AALCO, Ibid, p.120).

۱. World Trade Organisation

۲. General Agreement on Tariffs and Trade

۳. General Agreement on Trade in Services

۴. طبیعتاً، کشورهایی که تجارت خاصی با آمریکا نداشتند، از تحریم‌های ثانویه آمریکا در اثر تجارت با ایران، مصون بودند.

علاوه بر این، ماده ۱۱ گات حاوی مقرراتی برای حذف موانع غیرتعرفه‌ای نسبت به تجارت و تسهیل دسترسی به بازار است. این ماده، اعضای سازمان تجارت جهانی را از ایجاد محدودیت در خصوص واردات و صادرات کالاها از یا به مقصد یک دولت عضو، منع می‌کند. این ماده به اعضای سازمان اجازه نمی‌دهد تا هیچ محدودیتی را از طریق سهمیه، مجوزهای واردات یا صادرات و دیگر اقداماتی که به ایجاد محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای می‌انجامد، وضع نمایند. از این رو، تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه کشورها، شرکت‌ها و موسسات مالی اعضای سازمان تجارت جهانی که شرکای تجاری ایران نیز بودند، یک محدودیت تجاری محسوب شده و نقض ماده ۱۱ گات تلقی می‌گردد. «سینگ» بر این استدلال است که آمریکا برای توجیه اقدامات خویش، نمی‌تواند به ماده ۲۱ گات در رابطه با منافع امنیت ملی استناد جوید، چرا که آمریکا با هیچ خطر امنیتی از جانب ایران مواجه نبوده است و تحریم‌های آمریکا نیز علیه ایران از سال ۱۹۷۹ وضع شده‌اند (Singh, 2015, p.123). تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه موسسات مالی و تجاری کشورهای ثالث که دارای روابط تجاری مشروع با ایران بودند، به بهانه حفاظت از امنیت ملی خود، نه متناسب با مفاد گات می‌باشد و نه با این موافقت نامه سازگار می‌باشد و کاملاً غیرقابل توجیه و غیرقابل مجاز بوده‌اند.

علاوه بر این، اعضای گات در ۳۰ نوامبر ۱۹۸۲ تصمیم گرفتند تا به هنگام اعمال گزینه‌ها در رابطه با استثناءهای مقرر در ماده ۲۱ گات، باید منافع کشورهای ثالث را هم که ممکن است لطمه ببیند، در نظر بگیرند، چرا که آن‌ها را به طور یکجانبه وادار می‌کند تا روابط تجاری خود را با ایران، در صورت تصمیم به حفظ روابط تجاری با آمریکا، قطع نمایند (Ibid, p.124).

۴. بررسی مشروعیت توسل به اقدام متقابل در قضیه تحریم‌ها علیه ایران

تحلیل تحریم‌ها توسط یک دولت علیه دولت دیگر، به استثنای مواردی که در حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری تصریح شده‌اند، فراتر از حقوق بین‌الملل می‌باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در این زمینه واژه «اقدام متقابل» را انتخاب کرده است تا اقدامات یک دولت علیه دولت دیگر را از «تحریم‌ها» که صرفاً توسط سازمان ملل اعمال می‌شوند، تفکیک نماید (Symonide, 2003, p.308).

در قضیه ایران، برای ارائه تحلیلی صحیح از توجیه واضعان تحریم‌های یکجانبه با توسل به اقدامات متقابل، باید منبع و ماهیت تعهداتی که ادعا می‌شود توسط ایران نقض شده‌اند را مورد بررسی قرار داد. تحریم‌کنندگان استدلال کرده‌اند که ایران تعهد مصرح در ماده دو معاهده عدم

اشاعه در خصوص عدم تولید یا اکتساب سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای را نقض کرده است و به دنبال توسعه یک برنامه سلاح هسته‌ای بوده است.^۱ در این رابطه، ماده ۴۲ پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها در اثر اقدامات متخلفانه بین‌المللی آنان که در سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین شد، ناظر بر توسل دولت صدمه‌دیده به مسئولیت دولت‌هاست. بند (ب دو) این ماده تصریح می‌کند دولت صدمه‌دیده در صورتی که نقض تعهد بر آن نیز تاثیر گذاشته، می‌تواند به مسئولیت دولت توسل جوید.^۲

در پاسخ به این استناد، باید خاطر نشان کرد که اتخاذ اقدامات متقابل یکجانبه صرفاً تحت ماده ۴۲ (ب دو) مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل آن هم در صورتی که نقض تعهد دارای ویژگی باشد که موضع تمامی اعضاء را به عنوان دولت‌های صدمه‌دیده که اجرای تعهد وابسته به آن‌هاست به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر دهد، قابل توجیه است (Singh, 2012). در این رابطه، رهیافت تفکیک بین معاهدات و تعهدات و طبقه‌بندی تعهدات به عنوان تعهدات همبسته، کاملاً غیر مرتبط است. تعهدات همبسته، تعهداتی هستند که اجرای آن‌ها توسط هر یک از اعضاء وابسته به اجرای برابر آن‌ها توسط تمامی اعضاء است و نقض آن‌ها تمام رژیم معاهده را بین تمامی اعضاء تضعیف می‌کند و به عبارت دیگر، اجرای تعهد توسط دولت مسئول، شرط ضروری اجرای آن توسط دیگر دولت‌هاست. اعمال این منطق به تعهدات ایران تحت ماده دو معاهده عدم اشاعه غیر مرتبط می‌باشد. با این استدلال حتی اگر ایران تعهدات ماده دو معاهده را نقض کرده باشد، از منظر حقوق معاهدات نقض این تعهد توانایی تمامی اعضاء معاهده برای اجرای تعهدات محتوایی آنان را زیر سوال می‌برد و در واقع، اجرای تعهدات سایر اعضاء به طور موثری مشروط به اجرای آن‌ها توسط دیگر اعضاء است. این استدلال صحیحی نیست، چرا که نمی‌توان گفت عدم اجرای تعهد یک دولت عضو کل ساختار

۱. شورای حکام آژانس بین‌المللی در قطعنامه Gov/2006/14 مورخ ۴ فوریه ۲۰۰۶ که براساس آن موضوع هسته‌ای ایران را بنابر پیشنهاد آمریکا و کشورهای غربی و دیگر حامیان آن‌ها به شورای امنیت فرستاد که سرآغاز وضع تحریم‌های شورا و یکجانبه می‌باشد، به نگرانی‌ها در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و نقض تعهدات ایران در پایبندی به تکالیف خود تحت موافقت نامه پادمان اشاره کرده است. اتحادیه اروپا و آمریکا نیز در تحریم‌های خود به منشا هسته‌ای اشاره کرده‌اند.

۲. ماده ۴۲ مفاد پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها تصریح می‌کند: یک دولت به عنوان یک دولت آسیب‌دیده ذیحق است تا مسئولیت یک دولت دیگر را مطرح نماید، اگر تعهدی که نقض شده است مرهون آن دولت، یا گروهی از دولت‌ها شامل آن دولت، یا جامعه بین‌المللی می‌باشد و به طور ویژه بر آن کشور تاثیر گذاشته و دارای ویژگی باشد که به شدت موضع تمامی دیگر کشورها که اجرای تعهد مرهون آن‌هاست را تغییر داده باشد.

معاهده عدم اشاعه را تهدید خواهد کرد. از منظر مسئولیت دولت‌ها نیز نقض تعهدات معاهده توسط یک کشور بر تعهدات سایر اعضا تاثیری نمی‌گذارد، چرا که تمامی اعضا تعهد عدم تولید سلاح ندارند، مانند پنج کشور دارنده سلاح‌های هسته‌ای که وضعیت آنان تحت معاهده به رسمیت شناخته شده است. همین موضوع در خصوص تعهدات مصرح در ماده یک معاهده عدم اشاعه مبنی بر تعهد کشورهای دارنده به عدم انتقال سلاح هسته‌ای به دیگران نیز صادق است که تعهدی برای کشورهای غیردارنده محسوب نمی‌شود (Ibid).

نکته دیگر در این رابطه این است که تاکنون هیچ گزارش معتبری در خصوص این که ایران تعهدات خود تحت ماده دو معاهده عدم اشاعه را نقض کرده باشد، وجود ندارد. همانگونه که در سمینار بین‌المللی تحریم‌ها و معاهده عدم اشاعه که توسط آکادمی ژئوپلیتیک پاریس برگزار شد، تصریح گردید «تحریم‌های شورای امنیت و تحریم‌های یکجانبه به اصطلاح برای جلوگیری از کسب سلاح هسته‌ای توسط ایران وضع شده‌اند. این وضعیت در حالی است که آنان هرگز قادر نبودند ثابت کنند که برنامه هسته‌ای ایران ماهیت نظامی دارد. از اینرو، آنان از ایران می‌خواهند تا ثابت کند که برنامه هسته‌ای نظامی نداشته، ندارد و نخواهد داشت» (Academie de Geopolitique de Paris, 2013).

معاهده عدم اشاعه به نوعی یک «معامله بزرگ» بین کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و کشورهای غیردارنده سلاح هسته‌ای است (Calamita, 2009, p.1424). این معاهده تعهدات متنوعی را بر اعضای خود از قبیل عدم اشاعه، خلع سلاح و همکاری‌های صلح‌آمیز تحمیل می‌کند و در واقع، سعی دارد نوعی تعادل بین داراها و ندارها ایجاد نماید. از اینرو، برجسته کردن بخشی از تعهدات و نادیده انگاشتن دیگر تعهدات نمی‌تواند مبنای حقوقی برای توسل به اقدامات متقابل ایجاد نماید. از طرف دیگر، ماده ۵۵ مواد مسئولیت دولت مقرر می‌دارد که این مواد «جایی که اجرای مسئولیت بین‌المللی یک دولت تحت قواعد خاصی قرار دارد»، اعمال نمی‌شوند (Ibid, 1434). سیستم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معاهده عدم اشاعه شامل مجموعه قواعدی اند که با هدف کشف موارد نقض معاهده طراحی شده‌اند. با وجود چنین مکانیسم نظارتی، اعمال اقدامات متقابل توسط اعضای معاهده توجیهی ندارد.

برابر مباحث انجام شده در خصوص اقدامات تحت فصل هفتم منشور ملل متحد و اقدامات متقابل یکجانبه در جریان مذاکرات کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد نقش اقدامات متقابل در حقوق

مسئولیت دولت، «آلن پله» این دیدگاه را مطرح کرد که در صورت تصمیم شورای امنیت به تحمیل تحریم‌ها در پاسخ به یک اقدام متخلفانه بین‌المللی، حق دولت‌ها در اتخاذ اقدامات متقابل یکجانبه خاتمه می‌یابد. «پله» در این خصوص به ماده ۵۱ منشور ملل متحد استناد می‌کند که مقرر می‌دارد حق دفاع مشروع در پاسخ به یک حمله مسلحانه تا وقتی که شورای امنیت اقدامات ضروری را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ ننماید، از بین نمی‌رود. وی استدلال می‌کند که این موضوع در خصوص اقدام متقابل نیز هنگامی که شورای امنیت اقداماتی را بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ منشور اتخاذ می‌نماید، صدق می‌یابد (Ibid, p.1437).

نتیجه

در عصر جهانی شدن، تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای مجازات و منزوی کردن کشورهای هدف به ندرت موفق می‌شوند. وقتی تحریم‌ها تبدیل به سیاست می‌شوند و یا به قدری طولانی می‌شوند که به صورت غیررسمی تبدیل به یک سیاست می‌شوند، تاثیر خود را از دست می‌دهند (F.Schulz, 2008, p.76). همانگونه که «سولیوان»، معاون سابق مشاور امنیت ملی آمریکا اظهار داشت: «تحریم‌ها حتی هنگامی که به عنوان یک راهبرد محسوب می‌شوند، تقریباً هرگز موثر نخواهند بود» (Sadeghi, Boroujerdi, 2012, p.22). تحریم‌ها منجر به تغییر رژیم در کوبا، توقف برنامه سلاح هسته ای کره شمالی، و توقف برنامه هسته ای ایران نشده‌اند. «ری تکیه» در این خصوص نوشته است «تحریم‌های آمریکا علیرغم این که توانسته‌اند در طول سه دهه گذشته هزینه‌هایی را بر ایران تحمیل کنند، اما در وادار کردن ایران به عدم پیگیری و توسعه زیرساخت‌های هسته ای خود شکست خورده‌اند» (Takeyh, 2012, p.1311).

تحریم‌ها چه از سوی شورای امنیت وضع شوند و چه به طور یکجانبه، تاثیرات سوئی بر حقوق بشر افراد به ویژه حق حیات، حق غذا، حق توسعه و حق بهداشت و سلامت می‌گذارند. در این راستا، شورای امنیت نیز در تصمیمات خود محدود به رعایت مفاد منشور از جمله در حوزه حقوق بشر بوده و تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند به هنگام اعمال اختیارات خود تحت ماده ۴۱ منشور، حقوق بشر را محدود نماید.

تحریم‌های ثانویه و فراسرزمینی نیز حاکمیت و اصل برابری کشورها را کاملاً نقض می‌کنند. از طرف دیگر، تحریم‌های ثانویه با قواعد تجارت جهانی نیز در تعارض قرار می‌گیرند. توجیه عمده‌ای

که برای تحریم‌های یکجانبه از نظر حقوقی می‌توان به آن استناد نمود، اقدام متقابل است. در قضیه برنامه هسته‌ای ایران، کشورهای صدمه دیده باید بتوانند اثبات کنند که مستقیماً از اقدامات ایران در برابر معاهده عدم اشاعه آسیب دیده‌اند. این در حالی است که حتی با فرض نقض تعهدات ایران تحت معاهده عدم اشاعه، این کشورها نمی‌توانند ادعا کنند که از آن مستقیماً تأثیر پذیرفته‌اند، ضمن این که با رسیدگی به این موضوع در چارچوب شورای امنیت، این حق از سایر کشورها سلب می‌شود. در واقع، اقدامات آمریکا و اتحادیه در اتخاذ تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران در حالی صورت گرفت که شورای امنیت مجوزی را به کشورها برای فراتر رفتن از اقدامات مقرر در قطعنامه‌های خود ارائه نکرده است.

باید توجه داشت که تحریم‌های یکجانبه نه قانونی هستند و نه مشروعیت دارند. قانونی بودن یک اقدام یا سیاست، با ارجاع آن به متون و رویه‌های حقوقی ارزیابی می‌شود، در حالی که مشروعیت سیال و متغیر می‌باشد و تاحدودی به تصورات و نتایج بستگی دارد. مشروعیت ضرورتاً جایگزین قانونی بودن نمی‌شود، بلکه نقش اساسی در تقویت و حمایت از قانون دارد و در واقع قوانین، نهادها و فرایندهای قانونی که فاقد مشروعیت باشند، از اعتبار چندانی برخوردار نخواهند بود. برخی کشورها نظیر آمریکا برای اینکه اقداماتی را انجام دهند که از نظر فنی و حقوقی غیرقانونی است، به دنبال توجیه آن از منظر مشروعیت بین‌المللی برمی‌آیند. این کشورها برای اثبات رهیافت خود به بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد استناد می‌کنند که تهدید یا استفاده از زور را مغایر با اهداف ملل متحد ذکر می‌کند و نوعی منع کلی را وضع می‌کند؛ اما از سوی دیگر اذعان می‌کنند که کشورها در رویه خود با استفاده از ماده ۱ منشور، مشتمل بر حذف تهدیدات علیه صلح، مکرراً به استفاده از زور روی آورده‌اند. بر این اساس، همانگونه که در این مقاله مورد بررسی گرفت تحریم‌های یک‌جانبه نه تنها غیرقانونی هستند، بلکه فاقد مشروعیت لازم نیز می‌باشند. هیچگاه از ممنوعیت و محدودیت تحریم‌های یکجانبه مشروعیت زدایی نشده است که برخی کشورها با استناد به آن، درصدد اثبات رویه خود در قانونی بودن تحریم‌های یکجانبه برآیند (Loyola 2008, UN University). (2008).

با توجه به این که تحریم‌های یکجانبه ناقض حقوق بین‌الملل و همچنین حقوق بین‌الملل بشر می‌باشند، کشورهای تحت تحریم براساس اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به عنوان کشور زیان‌دیده حق اقامه دعوا دارند. در این چارچوب، طرح دعوا در دادگاه‌های ملی واضعان تحریم‌ها،

سازوکارهای حقوقی اتحادیه اروپا، دیوان بین‌المللی دادگستری و پیگیری موضوع نزد سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشری می‌توانند مورد امعان نظر قرار گیرند.

فهرست منابع

فارسی

- ارکلش ویلی، آلكساندر. **تأثیر قواعد آمرة حقوق بین‌الملل بر تفسیر و اجرای قطعنامه های شورای امنیت**. ترجمه سیدقاسم زمانی. (۱۳۸۴). پژوهش های حقوقی، شماره ۷: صص ۵۵-۹۸.
- بزرگی، وحید، (۱۳۸۸)، **تحریم‌ها و ملاحظات سیاسی و امنیتی در سازمان تجارت جهانی**، فصلنامه پژوهش های تجارت جهانی شماره های ۱۶ و ۱۷، صص ۹-۲۶.
- زمانی، سیدقاسم، زنگنه شهرکی، جعفر، (۱۳۹۲)، **تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش های مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی**، فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۷، صص ۶۱-۳۳.
- ظریف، محمدجواد و میرزایی، سعید، (۱۳۷۵)، **تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران**، مجله سیاست خارجی (۱)، صص ۱۰۸-۹۱.
- غریب آبادی، کاظم، (۱۳۸۷)، **واقعیت های اساسی درباره برنامه هسته ای ایران**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ضرورت یا اضطرار در حقوق کیفری، <http://magazine.shme.ir>، تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۵/۱/۲۷.
- مافی، همایون. (۱۳۸۵)، **تاملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل**، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، سال ۱، شماره ۱، صص ۸۴-۵۹.
- مومنی، مهدی، (۱۳۹۲)، **ابعد حقوقی تحریم‌های بین‌المللی شورای امنیت (مجموعه مقالات همایش)**، تهران، انتشارات مجد.

انگلیسی

- Academie de Geopolitique de Paris, (2013), *Les Sanctions Visant A'preserver La Non-Proliferation Nucleaire*, Paris.
- Asian-African Legal Consultative Organization, (2013), *Unilateral and Secondary Sanctions*, AALCO. New Delhi.
- Barcelona Traction, Light and Power Company Limited. ICJ Reports 1970
- Bradford, Ana, Ben-Shahar, Omori, (2012), *Efficient Enforcement in International Law*, Chicago Journal of International Law, Vol.12, No.2, p.p.375-398.
- Calamita, N. Jansen, (2009), *Sanctions, Countermeasures and the Iranian Nuclear Issue*, Vanderbilt Journal of Transnational law, Vol.42, No.5, p.p.375-398.
- CESCR General Comment, No. 8, E/C.12/1997/8, 12 December 1997, available at: <http://www.refworld.org/docid/47a7079e0.html>, Seen on 15 April 2016.

- Charron, Andrei, (2011), U.N Sanctions and Conflict: Responding to Peace and Security Threats, United Kingdom: Routledge.
- Chuang, Janie, (2006), The U.S As Global Sheriff, Michigan Journal of International Law, Volk.27, No.2, P.P. 437-470.
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment 8 (1997), The relationship between economic sanctions and respect for economic, social and cultural rights, U.N. Doc. E/C.12/1997/8.
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment 11 (1999), Plans of Action for Primary Education, Twentieth Session.
- Constantinides, Aristotle, (2009), The Diversity of International Law, The Netherlands, Brill.
- Coomans, Fons, T.Kamming, Menno, (2003), Extraterritorial Applications of Human Rights Treaties, Belgium: Oxford.
- Countries under U.S current sanctions, available at: www.treasury.gov/resources-centre/sanctions/Programs/Pages/Programs.aspx, seen on 15 April 2016.
- Davidsson, Elias, (2003). Legal Boundries to U.N Sanctions, International Journal of Human Rights. Vol.7, No.4, P.P. 1-50
- Dewet, Erika, (2001), Human Rights Limitations to Economic Enforcement Measures Under Article 41 of the U.N Charter and the Iraqi Sanctions Regime, Leiden Journal of International Law, Vol.14, No.1, p.p.283-302.
- Dupuy, Piere-Marie, (2000), The Place and Role of Multilateralism in Contemporary International Law, EJILL, Vol.11, No.1, p.p.19-29.
- Eden, Paul, o'Donnel, Therese, (2005), A Turning Point in International Law, U.S: Transnational Publishers.
- European Commission, (11 October 2016), EU Restrictive Measures (Sanctions) in Force, Brussels, Service for Foreign Policy Instruments.
- F. Schulz, William, (2008), The Future of Human Rights: U.S Policy for a New Era, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- GATT, (1994), Art.XXI, available at: https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/gatt47_02_e.htm.
- Golshanpazhooh, Mahmoud Reza (2013), Inhumanity and Illegality of Sanctions Justify Iran's Response, Available at: www.iranreview.org, Seen on 10 April 2015.
- Gowlland-Debbas, Vera, (2001), United Nations Sanctions and International Law, The Netherlands: Kluwer Law International.
- H. Cleveland, Sarah (2002), Human Rights Sanctions and International Trade: A Theory of Compatibility, Journal of International Economic Law, Vol.5, No.1, p.p.133-189.
- H. Flove, Benjamin, Gold, Ray, (2000), The Legality of U.S Sanctions, Global Dialogue, Vol.2, No.3, p.p.250-271.
- Heely, Laicie, Sahay, Usta, (2013), Are Sanctions on Iran Working? Center for Arms Control and Non-Proliferation, U.S.
- How European Courts Are Dismantling Sanctions on Iran, Available at: www.reuters.com, Seen on 15 April 2015.

- Horn, Henri & Mavroidis, Petrol, (2001), Economic and Legal Aspects of the Most-Favoured Nation Clause, *European Journal of Political Economy*, No.17, P.P. 233-279.
- Hughes, Katherine, (2007), Operation Drive Out the Trash: The Ease for Imposing Targeted U.S Sanctions against Zimbabwean Officials, *Fordham Law Review*, Vol.76, No.1, p.p.326-352.
- Human Rights Council Resolution, A/HRS/RES/27/21, 3 October 2014, available at: [duchess-adds-y.un.org/doc/UNDOC/GEN/G14/179/07/PDF/G1417907.pdf?OpenElement](http://www.unhcr.org/refugees/duchess-adds-y.un.org/doc/UNDOC/GEN/G14/179/07/PDF/G1417907.pdf?OpenElement), seen on 2 November 2015.
- Dreyer, Iana & Luenge-Cabera, José, (September 2015). On Target? EU Sanctions as Security Tools, Paris, EU Institute for Security Studies.
- ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, (2001), available at: http://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_6_2001.pdf, seen on 7 May 2015.
- International Covenant on Civil and Political Rights, (1966), <http://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr>, Seen on 15 April 2016.
- Jansen, Bernhard, (2000), The Limits of Unilateralism from a European Perspective, *European Journal of International Law*, Vol.11, No.2, p.p.309-313.
- Jennings, Robert & Arthur Watts, (1992), *Oppenheim's International Law*, London, Longman.
- Lafortune, Gordon, (2014), WTO Rules and Sanctions on Russian Trade, Available at: www.wl-tradelaw.com, Seen on 30 March.
- Loyola, Mario, (July/August 2010), Legality over Legitimacy, *Foreign Affairs*, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/2010-07-01/legality-over-legitimacy>, seen on 3 June 2017.
- Mafi, Homayon, (2007), The Dilemma of U.S Economic Sanctions on Iran, *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol.19, No.4, p.p.101-120.
- Magnusson, Finnur, (2008), Targeted Sanctions and Accountability of the U.N Security Council, *Austrian Review of International and European Law*, Vol.130, p.p.46-65.
- Mani, V.S. (1998), Unilateral Imposition of Sanctions Through Extraterritorial Application of Domestic Laws, *The Indian Journal of International Law*, No. 38, P.P. 1-27.
- Marossi, Ali z. & Bassett, Marisa R. (2015), *Economic Sanctions Under International Law*, The Hague, Asser Press
- Matam Farrall, Jeremy, (2007), *United Nations Sanctions and Rule of United Kingdom*, Cambridge University Press.
- McCullough Mayman, (1997), The Iran and Lybia Sanctions Act of 1996, *Whittier Law Review*, No.19, P.P. 137-168.
- Myo, Thihan ,(2008), Feeling Good or Bad: Insufficasy of the U.S Unilateral Sanctions Against the Military Government of Myanmar, *Washington University Global Studies Law Review*, Vol.7, No.1, p.p.505-526.

- Overview to WTO, available at: https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/wto_dg_stat_e.htm, seen on 31 March 2015.
- Owen, Mallory, (2012), The Limits of Economic Sanctions Under International Humanitarian Law: The Case of Congo, Texas International Law Journal, Vol.4, No.1, p.p.104-123.
- Paul Alford, Roger, (2011), The Self-Judging WTO Security Exception, Utah Law Review, NO.3, p.p.697-759.
- Peace Research Institute Frankfurt, (1997), Unilateral Sanctions on Trans-Atlantic Relations: US Sanctions Against Those Who Trade with Iran, Cuba and Libya and their Effects on the WTO, PRIF Reports, No.47.
- Report of the GATT Dispute Panel on U.S Trade Measures Affecting Nicaragua, 13 October 1986 (Unadopted), GATT Doc L/6053, 5.2.
- Request for Consultation by the EC, United States-the Cuban Liberty and Democratic Solidarity Act, WT/DS38/1, 13 December 1996.
- Sadeghi Boroujerdi, Eskandar, (2012), Sanctioning Iran: Implications and Consequences, United, Oxford Research Group.
- Segal, Ana, (1999), Economic Sanctions: Legal and Policy Constrains, International Review of the Red Cross, No.836.
- Singh, Shilja, (2012), WTO Compatibility of U.S Secondary Sanctions Relating to Petroleum Transactions with Iran, Retrieved From [www.wtcenter.iift.ac.in/working paper/Iran%20Sanctions](http://www.wtcenter.iift.ac.in/working_paper/Iran%20Sanctions), Seen on 20 December 2016.
- Singh, Sahib, (2012), Iran, the Nuclear Issue and Countermeasures, The Cambridge Journal of International and Comparative Law, Available at: www.cjicl.org.uk.
- Symonides, Janusz, (2003), Human Rights: International Protection, Monitoring, Enforcement, United Kingdom, UNESCO Publishing.
- "Tables and statistics". available at: www.worldtradelaw.net, seen on 31 March 2015.
- Takeyh, Ray, Maloney, Suzanne, (2011), The Self-Limiting Success of Iran Sanctions, International Affairs, Vol.87, No.6.
- The Hague Center for Law and Arbitration and Doshisha University of Japan, (2013), International Symposium on Unilateral Sanctions and International Law, The Hague.
- U.S Government Accountability Office, (2008), Iran Sanctions: Impact Good or Bad? New York: Nova Science Publishers.
- UN Doc. Resolution 1696, S/RES/1696, 31 July 2006, available at: www.un.org/press/en/2006/sc8792.doc.htm, seen on 18 September 2015.
- UN Doc, Resolution 1737, S/RES/1737, 27 December 2006, available at: www.un.org/press/en/2006/sc8928.doc.htm, seen on 18 September 2015.
- UN Doc, Resolution 1747, S/RES/1747, 24 March 2007, available at: www.un.org/press/en/2006/sc8980.doc.htm, seen on 18 September 2015.
- UN Doc, Resolution 1803, S/RES/1803, 3 March 2008, available at: www.un.org/press/en/2006/sc9268.doc.htm, seen on 18 September 2015.

- UN Doc, Resolution 1929, S/RES/1929, 9 June 2010, available at: www.un.org/press/en/2006/sc9948.doc.htm, seen on 18 September 2015.
- United Nations Sanctions Regimes (2016), Retrieved from www.un.org/sc/suborg/en/sanctions, Seen on 20 December 2016.
- United Nations University, (2008), Policy Brief, No.5, available at: <http://archive.unu.edu/publications/briefs/policy-briefs/2008/pb05-08.pdf>, seen on 3 June 2017.
- Wittich, Stephan, (2008), Targeted Sanctions and Accountability of the United Nations Security Council, Austrian Review of International and European Law, Vol. 13, P.P.34-68.
- www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dispu_e.htm
- WTO Dispute Settlement Panel Report on Thailand, Restrictions on Importation of, and Internal Taxes on Cigarettes, Adopted on November 7, 1990.